

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

967-100

Case No. 967

Date of filing: 6/7/1993

\*\* AWARD - Type of Award Award  
- Date of Award 6 July 1993  
   pages in English 61 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision     
   pages in English    pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of     
- Date     
   pages in English    pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of     
- Date     
   pages in English    pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of     
- Date     
   pages in English    pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document:     
    
- Date     
   pages in English    pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

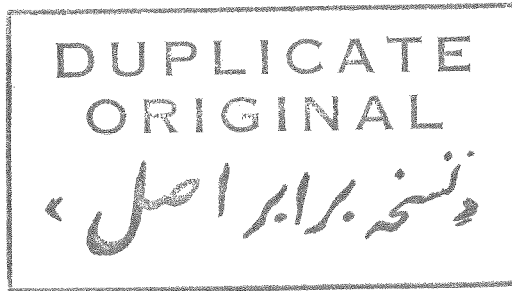
Case No. 967

Chamber Two

پرونده شماره ۹۶۷

شعبه دو ۲-۹۶۷-۵۴۹

حکم شماره



هارولد برنهام ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	6 JUL 1993
	تاریخ ۱۳۷۲ / ۴ / ۱۵

---

 حکم
 

---

حاضران :

از طرف خواهان: آقای مارک کلادفلتر،

آقای مارک پالی ،

وکلائی خواهان،

آقای هارولد برنهام ،

خواهان،

آقای فریدون غفاری،

شاهد خواهان،

آقای رابرت رایلی ،

آقای ورام گرجیان،

شهود کارشناس.

آقای دکتر ناصر منصوریان،

از طرف خوانده:

از طرف نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای سیف‌اله محمدی،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای اسماعیل بخشی دزفولی،

وکیل،

آقای حمید مشاری،

نماینده خوانده،

آقای آنتونی جی. پی. تریسی،

آقای اردوان مشیری،

آقای ابوالقاسم فخاریان،

آقای بهروز وقتی،

---

شهود کارشناس،

آقای بهروز صالح پور،

دستیار حقوقی نماینده رابط،

خانم لوسی اف. رید،

سایر حاضران:

نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا،

آقای دی. استیفن متایس،

قائم‌مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

---

اول - بیشگفتار

۱ - خواهان، هارولد برنهام، به شغل مهندسی اشتغال دارد. ادعای وی علیه جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") بابت ۸/۶ درصد سهم مالکانه وی در یک شرکت معماری و مهندسی ایرانی موسوم به مؤسسه عبدالعزیز فرمانفرمائی و همکاران ("آفا") است که حسب اظهار خواهان، در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] توسط دولت جمهوری اسلامی ایران صادره شد. در تاریخ مذکور مدیر موقت منصوب از طرف سازمان برنامه و بودجه دولت ایران مدیریت آفا را به دست گرفت. خواهان در آخرین لایحه خود، مبلغ ۳،۰۵۴،۵۷۶/- دلار غرامت بابت این سلب مالکیت ادعایی مطالبه می‌نماید و علاوه بر آن خواستار بهره و هزینه‌های حقوقی است.

۲ - خوانده (۱) انکار می‌کند که آفا صادره شده و اظهار می‌دارد که در ژوئیه ۱۹۷۹ ارزش سهم خواهان [در آن مؤسسه] منفی بوده است.

۳ - جلسه استماع پرونده حاضر در روزهای ۲۸ و ۲۹ آبانماه ۱۳۷۰ [۱۹ و ۲۰ نوامبر ۱۹۹۱] برگزار شد.

دوم - واقعیات و اظهارات (۲)

۴ - آفا در تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۴۶ [۱۲ اکتبر ۱۹۶۷] به عنوان یک شرکت مشاوره

---

\* منظور از ارقام دلاری مندرج در حکم حاضر، دلار آمریکاست.

(۱) در عمل کلیه لوایح خوانده از طرف "مؤسسه عبدالعزیز فرمانفرمائی و همکاران (در حال تصفیه)" تسلیم شده است.

(۲) در رابطه با ماهیت دعوی، برخی از واقعیات، حسب اقتضاء، در زیر به تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

معماری طبق مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت ایران در تهران تأسیس و در واقع جانشین مؤسسه مهندسی‌ای شد که در سال ۱۹۵۴ توسط عبدالعزیز فرمانفرمائیان تأسیس شده بود. طبق قانون تجارت و اساسنامه آفا، مؤسسه مزبور یک شرکت تضامنی با شخصیت حقوقی مستقل بود که در آن تسهیم سود و زیان به تناسب سهم مالکانه هر شریک انجام می‌شد.

۵- خواهان در سال ۱۹۷۱ به عضویت آفا درآمد و در سال ۱۹۷۲ رسماً شریک ثبتی آن شد. سمت وی رئیس مهندسی آفا بود. سهم وی در شرکت بدواً ۱۰ درصد بود ولی در سال ۱۹۷۷، در نتیجه پیوستن دو شریک جدید [به شرکت] سهم وی به ۸/۶ درصد کاهش یافت.

۶- در اساسنامه آفا ساختار سازمانی مؤسسه و به ویژه مقررات حاکم بر مدیریت آن توسط شرکا مشخص شده بود. مدیریت آفا تحت نظارت کلی مجمع عمومی شرکا قرار داشت که در سال یکبار تشکیل جلسه می‌داد. شرکا یک هیئت مدیره سه نفره انتخاب می‌کردند که امور کلی شرکت را اداره می‌کرد. رئیس هیئت مدیره مسئول اداره امور روزمره شرکت و نماینده تام‌الاختیار مؤسسه بود. در ژوئیه ۱۹۷۹ شرکای آفا و سهم‌الشرکه هر یک از آنها به قرار زیر بود:

۱ - عبدالعزیز فرمانفرمائیان	۴	درصد
۲ - محمدرضا مجد	۴۴/۱۶	"
۳ - جوزف زوکر	۱۰/۳۲	"
۴ - خسرو معاونی	۱۰/۳۲	"
۵ - هارولد برنهام	۸/۶	"
۶ - فریدون غفاری	۸/۶	"
۷ - فریدون طیب زاده	۷	"
۸ - مهدی تسوجی	۷	"

۷ - آفا در چندین پروژه بزرگ در ایران خدمات مهندسی و معماری انجام می‌داد و در بسیاری موارد، مشتریان وی سازمانهای دولتی ایران بودند. بسیاری از این پروژه‌ها در نتیجه کوششهای عبدالعزیز فرمانفرمایان تحصیل می‌شد که با دولت پیشین ایران رابطه نزدیک داشت. مهمترین پروژه‌ای که آفا عهده‌دار شد، پروژه طراحی و نظارت بر ساختمان فرودگاه جدید بین‌المللی تهران بود. آفا پروژه مزبور را با مشارکت مؤسسه مشاوره تپیتس، آبت، مک کارتی، استراتن ("تامز") ایالات متحده انجام داد. در اوت ۱۹۷۵، تامز و آفا شرکت تضامنی ایرانی تامز - آفا را به صورت ۵۰-۵۰ صرفاً به منظور انجام خدمات مهندسی و معماری پروژه مزبور تشکیل دادند. خدمات مزبور براساس قراردادی بود که در تاریخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۳ [۱۹ مارس ۱۹۷۵] بین تامز و آفا از یک طرف و سازمان هواپیمایی کشوری از طرف دیگر منعقد گردید. بنگرید به: پرونده تپیتس، آبت، مک کارتی، استراتن و تامز - آفا و دیگران، حکم شماره ۷-۲-۱۴۱ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴]، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 6 at 219 (که منبع در این حکم "تپیتس" نامیده می‌شود). آفا ظاهراً در سال ۱۹۷۷ شعبه‌ای در آتن تأسیس کرد که کار عمده آن تهیه نقشه‌ها و مشخصات پروژه فرودگاه بین‌المللی تهران بود.

۸ - از اواخر بهار سال ۱۹۷۸ که اغتشاشات در ایران افزایش یافت، فعالیتهای آفا دچار نقصان گردید. خواهان اظهار می‌دارد که آفا همچنین در وصول وجه صورتحسابهای خود از سازمانهای دولتی مواجه با مشکلات روزافزون شد و از زمستان ارجاع پروژه‌های جدید دولتی متوقف گردید. طبق اظهار خواهان، آفا همچنین به علت نداشتن امید عاجل به سفارشات تازه، از لحاظ جریان نقدینه دچار مضیقه روز افزون شد و در نتیجه، عده‌ای از کارمندان خود را از کار بی‌کار کرد.

۹ - دو تن از شرکای آفا به اسامی فرمانفرمایان و مجد، به ترتیب در نوامبر و دسامبر

۱۹۷۸ ایران را ترک کردند تا حسب اظهار برای خدمات آفا در خارج از کشور بازاریابی کنند. در آنموقع غفاری شریک دیگر آفا، موقتا" در دفتر آفا در آتن مستقر بود. زوکر، شریک دیگر آفا از اواسط سال ۱۹۷۸ به علت فوت پسرش در مرخصی بود و در ایالات متحده بسر می‌برد. خواهان در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ ایران را ترک کرد. وی می‌گوید که "قصد داشت به محض آنکه اوضاع به حال عادی برگشت به ایران مراجعت نماید". سه تن از شرکای آفا بعد از دسامبر ۱۹۷۸ کماکان در ایران ماندند. این سه نفر عبارت بودند از آقای طبیب زاده، یکی از اعضای هیئت مدیره آفا و مسئول پروژه‌های مخصوص و مشترک، آقای تسوجی، مدیر بخش قراردادهای و ساختمان، و آقای معاونی مدیر بخش مدیریت پروژه‌های آفا.

۱۰ - هنگامی که در فوریه ۱۹۷۹ دولت شاه سقوط کرد، آفا قراردادهای متعددی در دست اجرا داشت. آشفته‌گیهای اقتصادی که در آن هنگام ایران را فلج کرد منجر به توقف کار در بسیاری از این قراردادهای شد. یکی از قراردادهایی که در نیمه اول سال ۱۹۷۹ کماکان فعال باقی ماند، پروژه فرودگاه بین‌المللی تهران بود.

خواهان اظهار می‌دارد که علیرغم رکود فعالیت آفا، کارگران انقلابی آفا را مجبور کردند کارمندی را که در اوایل سال ۱۹۷۹ اخراج کرده بود مجددا" استخدام نماید. خواهان ادعا می‌کند که در حوالی ۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۸ [هفتم آوریل ۱۹۷۹] کارمندان آفا جلسه‌ای تشکیل دادند که طی آن مدیران باقی‌مانده آفا موافقت کردند شورایی از کارمندان برای تعیین خط مشی استخدامی موعسه تشکیل شود. خواهان اظهار می‌دارد که کمیته انقلابی محل کنترل این شورا را به دست داشت، ولی خواننده این اظهار را تکذیب می‌کند.

۱۱ - در تاریخ دوم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹] سازمان برنامه و بودجه مدیر موقتی برای آفا تعیین نمود. در همان تاریخ، آقای طبیب زاده، یکی از سه نفر

شرکای آفا که هنوز در ایران بودند اعلام کرد که برای معالجه پسرش قصد دارد از کشور خارج شود. در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مدیر منصوب دولت کار خود را در آفا آغاز کرد. در هنگام شروع کار وی، آفا حدود ۱۳۰ کارمند و به علاوه، قراردادهای زیادی در دست اجرا داشت.

۱۲ - مدت کوتاهی بعد از آن تاریخ، سازمان برنامه و بودجه یک نفر ناظر مالی نیز برای موعسه تعیین کرد. ناظر مالی موعسه حسابهای آفا را حسابرسی و در نوامبر ۱۹۷۹ گزارشی حاکی از وضع مالی آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] منتشر نمود. در این "گزارش مالی سال ۱۳۵۸" حسب اظهار "ارزش واقعی" داراییها و بدهیهای آفا برای "تعیین دارایی شرکا" ارزیابی شده بود. در این گزارش نتیجه‌گیری شد که ارزش خالص آفا در "تاریخ تحویل و تحول موعسه" مبلغ ۲۶۳،۵۹۲،۲۰۷/ ریال بوده است. خواهان نسخه‌ای از این گزارش را تسلیم کرده است.

۱۳ - آقای معاونی، یکی از دو شریک باقی‌مانده آفا در ایران، در تابستان سال ۱۳۵۸ کشور را ترک کرد. آقای تسوجی که آخرین شریک باقی‌مانده آفا در ایران بود تا اواسط سال ۱۹۸۰ به کار در آفا ادامه داد. در تاریخ ۲۱ مردادماه ۱۳۶۰ [۱۲ اوت ۱۹۸۱] سازمان برنامه و بودجه دستور داد که آفا طبق "قانون مربوط به مدیریت و مالکیت سهام" شرکتها و موعسات پیمانکاری مصوب ۱۳ اسفندماه ۱۳۵۸ [سوم مارس ۱۹۸۰] منحل گردد و موضوع در تاریخ ۱۴ مهرماه ۱۳۶۰ [ششم اکتبر ۱۹۸۱] در روزنامه رسمی کشور منتشر شد.

#### سوم - موضوعات شکلی

۱۴ - در طول رسیدگیهای پرونده حاضر، خواهان دو بار دادخواست خود را اصلاح کرد.



در دادخواست اولیه که در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] توسط دولت ایالات متحده از طرف هارولد برنهام و به نفع وی ثبت شده بود، خواهان غرامتی به مبلغ ۲۱۸،۰۳۲/ دلار مطالبه کرد. ادعای فوق تحت عنوان "ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار" طبقه بندی و شماره ۱۰۸۳۲ به آن اختصاص داده شد. در تاریخ ۱۸ مهرماه ۱۳۶۵ [دهم اکتبر ۱۹۸۶] خواهان ادعای خود را اصلاح کرد و مبلغ مدعیه را به ۲،۱۶۹،۵۲۸/ دلار افزایش و تاریخ مصادره را از مه ۱۹۸۰ به ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] تغییر داد ("اصلاحیه اول") (۳). دیوان طی دستور مورخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] خود، اصلاحیه مزبور را پذیرفت و سپس دعوی جزو "ادعاهای بزرگ" طبقه بندی و شماره ۹۶۷ به آن اختصاص داده شد. دیوان در بندهای ۹ و ۱۰ دستور فوق اشعار داشت که:

۹ - دیوان ملاحظه می نماید که اصلاحیه پیشنهادی اساس ادعای مطروح در پرونده حاضر را تغییر نمی دهد. ادعای بصورت یک ادعای غرامت بابت سلب مالکیت ادعایی منافع مالکانه آقای برنهام در یک شرکت ایرانی باقی می ماند. اینکه سلب مالکیتی صورت گرفته یا خیر، تاریخ وقوع یک چنین سلب مالکیت و میزان ارزش منافع مالکانه سلب شده، موضوعاتی است که نیاز به ارائه دلیل دارد و دیوان در جریان رسیدگی، نسبت بدانها تصمیم خواهد گرفت و طرفین می توانند هر طور که بخواهند استدلال خود را درباره آن موضوعات ارائه نمایند.

۱۰ - نظر به اینکه اصلاحیه بلافاصله پس از به جریان افتادن ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار در ماه مه ۱۹۸۶ و قبل از تعیین مهلت تسلیم دفاعیه تسلیم گردیده، نمی توان گفت که تاخیر خواهان در تسلیم اصلاحیه موجب تضییع حق خواننده شده یا به نحوی بوده که دیوان پذیرفتن آن را مصلحت نداند.

---

(۳) خواهان ادعای اولیه خود را به دلایلی، از جمله براساس گزارش مالی سال ۱۳۵۸ اصلاح کرد که حسب ادعا بعد از ثبت دادخواست آن را به دست آورده بود.

۱۵ - خواهان در اصلاحیه تکمیلی مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۶۶ [دوم ژوئیه ۱۹۸۷] دادخواست خود، مبلغ خواسته را از ۲،۱۶۹،۵۲۸/- دلار به ۳،۰۹۱،۹۹۷/- دلار افزایش داد ("اصلاحیه دوم") (۴).

۱۶ - خوانده به هر دو اصلاحیه اعتراض دارد و استدلال می‌کند که اصلاحیه‌های مزبور اصلاحیه‌های قابل پذیرش به مفهوم ماده ۲۰ قواعد دیوان نبوده، بلکه در واقع دعاوی جدیدی هستند که بعد از مهلت ثبت دعاوی مندرج در بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی ثبت شده‌اند.

۱۷ - دستور مورخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] دیوان مبنی بر پذیرش اصلاحیه اول، حق اعتراض فعلی خوانده به آن اصلاحیه را از وی سلب می‌کند.

۱۸ - اعتراض خوانده به اصلاحیه دوم خواهان به دلایل مذکور در دستور دیوان محکوم به رد است، به ویژه آنکه، اصلاحیه مزبور تنها شش ماه بعد از صدور دستور مورخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] دیوان و یک سال پیش از ثبت هرگونه لایحه خوانده تسلیم شده بود. بنابراین خوانده فرصت زیادی برای ثبت پاسخ داشت و در واقع به دادخواست اصلاح شده پاسخ داد. بر این اساس، اصلاحیه مزبور حقی از خوانده تضییع نکرد. در نتیجه، تصمیم دیوان این است که اصلاحیه دوم خواهان طبق ماده ۲۰ قواعد دیوان قابل پذیرش است. بنگرید به: بند ۷۳ حکم شماره ۴۳۸-۴۳۰-۱ مورخ ۱۴ شهریورماه ۱۳۶۸ [پنجم سپتامبر ۱۹۸۹]، در پرونده

---

(۴) مبلغ خواسته در لوایح بعدی خواهان مجدداً تغییر یافت: در پاسخ مورخ ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷ [ششم اکتبر ۱۹۸۸] مبلغ خواسته به ۳،۰۲۲،۱۴۷/- دلار تقلیل یافت و سپس در لایحه استماع مورخ ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۶۸ [پنجم فوریه ۱۹۹۰] به مبلغ فعلی یعنی ۳،۰۵۴،۵۷۶/- دلار افزایش یافت.

راکول اینترنشنال سیستمز، اینک و جمهوری اسلامی ایران ، چاپ شده در 23 Iran-U.S. C.T.R. 150, 166 ، و نیز پرونده اینترنشنال اسکول سرویسز، اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، صفحه ۱۰ قرار اعدادی شماره ۱-۱۲۳-۵۷ مورخ دهم بهمن‌ماه ۱۳۶۴ [۳۰ ژانویه ۱۹۸۶]، چاپ شده در 10 Iran-U.S. C.T.R. 6, 12 ، بند ۹ حکم شماره ۲-۳۳۵-۲۴۵ مورخ ۱۷ مردادماه ۱۳۶۵ [هشتم اوت ۱۹۸۶]، در پرونده تامس ارل بین و جمهوری اسلامی ایران ، چاپ شده در 12 Iran-U.S. C.T.R. 3, 6 .

#### چهارم - صلاحیت

۱۹ - اختلافی وجود ندارد که خواهان تبعه ایالات متحده است. ادعا بابت سلب مالکیت ادعایی از علایق مالکانه خواهان در آفا بوده و بنابراین مشمول صلاحیت موضوعی دیوان نسبت به ادعاهای "ناشی از... سلب مالکیت یا سایر اقدامات مؤثر در حقوق مالکیت" می‌باشد. بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی.

۲۰ - در جلسه استماع، خواننده استدلال کرد که ادعا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که مهلت صلاحیتی مقرر در بند یک ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است، پابرجا نبوده زیرا قبل از تاریخ مذکور، ادعا نه توسط خواهان به خواننده ارائه، نه در هیچ دادگاهی مطرح، و نه مورد هیچ مذاکره‌ای بین طرفین بوده است. دیوان این ایراد صلاحیتی را رد می‌کند. دیوان بارها نظر داده است که برای آنکه ادعایی "پابرجا" باشد، ضروری نیست که خواهان پیش از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] آن را تسلیم یا اقامه دعوا کرده باشد. "کافی است که ادعایی وجود خارجی پیدا کرده باشد، تا حق طرح آن قبل از

آن تاریخ بوجود آمده باشد." پرونده الکترانیک سیستمز اینترنشنال، اینک و وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و دیگران، بند ۵۱ حکم شماره ۱-۸۱۴-۴۳ مورخ ششم مردادماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۹] چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R. 339, 352 و پرونده‌هایی که در آنجا نقل شده‌اند. سبب دعوی در پرونده حاضر در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ایجاد شد که سلب مالکیت ادعایی از علائق مالکانه خواهان در آفا رخ داد. بنابراین، ادعا مسلمان در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است. مضافاً دیوان متقاعد شده است که ادعای حاضر طبق الزام بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی به طور مستمر متعلق به خواهان بوده است.

۲۱ - براساس مراتب فوق، دیوان نظر می‌دهد که نسبت به ادعای حاضر صلاحیت رسیدگی دارد.

#### پنجم - ماهیت ادعا

#### الف - مسئولیت

۲۲ - اختلافی وجود ندارد و دیوان نیز پیش از این در پرونده تیبیس نظر داده است که سازمان برنامه و بودجه طی نامه مورخ دوم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹]، آقای آزاد زرین نژاد را به موجب "لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری و کشاورزی و خدماتی اعم از بخش عمومی و خصوصی" مصوب ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] (۵) ("لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸") به عنوان مدیر موقت منصوب نمود. در قسمت ذیربط حکم انتصاب آمده است که:

---

(۵) لایحه قانونی شماره ۶۷۳۸ مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹]، روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۱۲ مورخ ۱۷ تیرماه ۱۳۵۸ [هشتم ژوئیه ۱۹۷۹].

نظر به اینکه مدیران اصلی موعسه عبدالعزیز فرمانفرمائیان و همکاران واحد تحت سرپرستی خود را رها کرده‌اند، لذا به استناد لایحه قانونی مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۶، به منظور جلوگیری از تعطیل شرکت و با اطلاع قبلی وزارت کار و امور اجتماعی، به سمت مدیر موقت موعسه مذکور منصوب می‌شوید که امور آن را با رعایت کامل مفاد لایحه قانونی مذکور... اداره نمایید.

خانواده فرمانفرمائیان یکی از پنجاه و یک فامیل یا افرادی بود که شرکتهایشان طبق ماده ۱ بند ب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران تحت مدیریت دولت در آمد. تپتس، ص ۸، at 224 Iran-U.S. C.T.R. 6

۲۳ - خواهان استدلال می‌کند که خوانده آفا را در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] یعنی در تاریخی که آقای زرین نژاد عهده‌دار سمت خود در آفا شد، صادره نمود. وی اظهار می‌دارد که طبق لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] آقای زرین نژاد کلیه اختیارات مدیریت آفا منجمله اختیار امضای اسناد و برداشت از حسابهای بانکی آفا را بدست گرفت. وی همچنین می‌گوید که آقای زرین نژاد شرکای آفا را از مزایای مالکیت محروم کرد: از تاریخ ورود آقای زرین نژاد، مجمع عمومی شرکای آفا که طبق اساسنامه آفا باید سالانه تشکیل گردد هیچگاه تشکیل نشد و آگهی تشکیل آن نیز منتشر نگردید. انتخابات اعضای هیئت مدیره انجام نشد، هیچ گزارش یا اطلاعیه‌ای از تغییرات یا تحولات شرکت به شرکا داده نشد و هیچ بخشی از سود شرکت به آنها پرداخت نگردید. طبق اظهار خواهان، این اقدامات و ترک فعل به منزله لغو دائمی حقوق مالکانه شرکای آفا بوده و قابل انتساب به خوانده می‌باشند.

۲۴ - خوانده در مقام دفاع اظهار می‌دارد که خواهان و سایر شرکای عمده آفا در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوائل سال ۱۹۷۹ به دلیل سودآور نبودن موعسه و بدهیهای آن، عدم امید به آینده و مسئولیت شرکا در قبال کارهای ناقص و نیمه تمام، موعسه

را تعددا" رها کردند. خواننده اظهار می‌کند که از آنجا که خواهان از علایق مالکانه خود در آفا اعراض کرد، اقدامات خواننده را نمی‌توان در حکم مصادره دانست. خواننده اظهار می‌دارد که در هر صورت، به علت تغییر اوضاع در ایران، آفا در ژوئن ۱۹۷۹ هیچ ارزش خالص مثبتی نداشت.

۲۵ - خواننده مضافاً اظهار می‌دارد که انتصاب مدیر موقت فی‌نفسه اقدامی محسوب نمی‌شود که خواهان را از علاقه مالکانه‌اش در آفا محروم کرده باشد، و استدلال می‌کند که رویدادهای بعد از این انتصاب نیز باید در احراز وقوع یا عدم وقوع سلب مالکیت مورد توجه قرار گیرد. در این باب، خواننده اظهار می‌دارد که خواهان دلیلی ارائه نکرده است که ثابت کند بعد از انتصاب ادعایی مدیر موقت، خواهان به صورتی کوشیده باشد که حقوق خود را به عنوان شریک مؤسسه اعمال کند و مدیر موقت یا دولت مانع وی شده باشند.

۲۶ - به عنوان یک موضوع مقدماتی، دیوان این اظهار خواننده را رد می‌کند که ظاهراً خواهان با ترک ایران در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ از علاقه مالکانه خود در آفا اعراض کرده است. این موضوع محرز شده است که شرایط فورس‌ماژور در ایران در دسامبر ۱۹۷۸ عزیمت اتباع ایالات متحده را از ایران توجیه می‌کرد. بنگرید به : بند ۵۶ حکم شماره ۳-۴۸۱-۳۷۳ مورخ هفتم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۸]، در پرونده موتورولا، اینک و شرکت هواپیمایی ملی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 73, 85 ، بند ۳۹ حکم شماره ۳-۱۲۳۸۴/۲۲۷-۳۲۹ مورخ ۲۰ آبانماه ۱۳۶۶ [۱۱ نوامبر ۱۹۸۷]، در پرونده ایستمن کداک و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 153, 163-64 .

۲۷ - موضوعی که برای دیوان مطرح است اینست که آیا در احوال پرونده حاضر،

انتصاب مدیر موقت برای آفا توسط سازمان برنامه و بودجه دولت ایران این نتیجه‌گیری را توجیه می‌کند که خواننده با این اقدام، آن موعسه را چنان تحت کنترل خود گرفت که خواهان از علایق مالکانه‌اش محروم و در نتیجه مشمول "مصادره یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت" شد که مسئولیت آن به عهده خواننده باشد یا خیر. بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی.

۲۸ - در رویه این دیوان کاملاً محرز شده است که گرفتن اموال می‌تواند "طبق حقوق بین‌الملل از طریق مداخله دولت و استفاده از مال یا بهره‌مند شدن از مزایای آن صورت گیرد، حتی وقتی که این عمل تأثیری در مالکیت قانونی آن مال نداشته باشد". تیپتیس، ص ۱۰، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 225. همچنین بنگرید به: پرونده تامس ارل پین، بند ۲۰، 9 Iran-U.S. C.T.R. at 12 (با نقل از سایر پرونده‌ها). در عین حال که بدست گرفتن کنترل اموال توسط یک دولت - فی‌المثل از طریق نصب مدیران موقت - خود بخود و بلافاصله این نتیجه‌گیری را توجیه نمی‌کند که دولت آن اموال را ضبط کرده، و بنابراین طبق حقوق بین‌الملل مستلزم پرداخت غرامت است، "معهدا هرگاه رویدادها نشان دهد که مالک از حقوق اساسی مالکیت محروم شده و ظاهراً محرومیت امری صرفاً گذرا نبوده، چنین نتیجه‌گیری قابل توجیه است". پرونده تیپتیس (همان مآخذ)، همچنین بنگرید به: صفحات ۴۲-۴۳ قرار اعدادی شماره ۳-۱۲۹-۵۵ مورخ ششم آبانماه ۱۳۶۴ [۲۸ اکتبر ۱۹۸۵]، در پرونده سدکو، اینک و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، چاپ شده در 9 Iran-U.S. C.T.R. 248, 277-78. دیوان پیش از این، نصب مدیران موقت را "عاملی مهم" و "نشانه بسیار مهمی" در احراز وقوع سلب مالکیت قلمداد کرده، بدان سبب که در اثر چنین انتصابی مالک از حق اداره موعسه خود محروم شده است. پرونده سدکو، اینک، منقول در بالا، همان مآخذ (با نقل از پرونده‌ها و مآخذ حقوقی). دیوان همچنین نظر داده است که موقتی بودن نصب مدیران مانع احراز وقوع سلب مالکیت نشده است. بنگرید به:

پرونده موتورولای، اینک، منقول در بالا، بند ۵۸، 19 Iran-U.S. C.T.R. at 85 .  
همچنین بنگرید به: پرونده تیبیس صفحه ۱۱، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 226 ("شکل  
کنترل یا دخل و تصرف از واقعیت اثر آن کنترل و مداخله حائز اهمیت کمتری  
می باشد"). دیوان اوضاع و احوال پرونده حاضر را در پرتو اصول فوق مورد بررسی  
قرار می دهد.

۲۹ - خواننده از طریق سازمان برنامه و بودجه و به موجب لایحه قانونی مورخ ۲۶  
خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] آقای زرین نژاد را با این دستور صریح به  
عنوان مدیر موقت آفا منصوب کرد که "آن مؤسسه را طبق لایحه قانونی مذکور  
اداره کند". آثار لایحه قانونی مذکور بسیار گسترده بود. آن لایحه مقرر می داشت  
که به مجرد نصب مدیر منصوب دولت "از مدیران و متصدیان قبلی در مورد اداره  
امور آن واحد سلب صلاحیت می گردد" و نیز اینکه "تا زمانی که وزارتخانه، مؤسسه  
یا شرکت دولتی ذریبط احکام مدیران را لغو نکرده است مدیر یا هیئت مدیره و یا  
اعضای ناظر در سمت خود باقی خواهند ماند و صاحبان سهام بهیچوجه حق ندارند  
مدیرانی را بجای آنها انتخاب نمایند". در آن لایحه مضافاً مقرر شده بود که مدیر  
موقت "از هر حیث قائم مقام قانونی مدیران اصلی واحد" بوده و "بدون اینکه احتیاج  
به تحصیل اجازه مخصوص از مدیران یا صاحبان واحد مربوط داشته باشد، حق خواهد  
داشت بنحوی که متضمن صلاح و صرفه واحد مربوط و موافق با اصول و معیارهای  
جمهوری اسلامی باشد، کلیه امور عادی و جاری آن واحد را اداره کرده...". با  
توجه به این مقررات، نمی توان انکار کرد که به مجرد انتصاب مدیر موقت توسط  
دولت، به موجب لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] و به  
محض آنکه وی شروع به کار کرد، اختیار مالک مؤسسه در شرکت در مدیریت و  
کنترل مؤسسه خود از وی سلب می شد.

۳۰ - اظهارات مدیر منصوب دولت در سوگندنامه ای که خواهان آن را در دیوان ثبت کرده



نیز نتیجه‌گیری فوق را تأیید می‌کند. آقای زرین نژاد شهادت داده است که "کنترل امور آفا را به موجب قانونی که اختیار کامل انجام امور تجاری موعسه را به من واگذار می‌نمود به عهده گرفتم" و "احساس وظیفه نمودم که مالکین موعسه را از کلیه وظایف مدیریت دور نگاه دارم". آقای زرین نژاد اظهار داشت که وی تنها "کمک حرفه‌ای و فنی" از آقای تسوجی گرفت و اضافه کرد که وی هیچ کوششی نکرد که با شرکای آفا که در خارج از ایران بودند تماس بگیرد زیرا "در وضعی نبودم که با آنها تماس بگیرم". آقای زرین نژاد همچنین گفت که وی "از روز اول می‌دانسته که آفا به شرکای آن برگردانده خواهد شد" زیرا اسم آقای فرمانفرمائی‌ان در موعسه بود...".

۳۱ - براساس ادله ارائه شده، گریزی از این نتیجه‌گیری نیست که خواننده در ژوئیه ۱۹۷۹ کنترل آفا را از طریق انتصاب مدیر موقت و به موجب لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] عملاً بدست گرفت و خواهان را از علایق مالکانه‌اش در آن موعسه محروم نمود. اختلافی وجود ندارد که موعسه از آن به بعد تحت کنترل افراد منتخب دولت باقی مانده است. همچنین بحثی نیست که هیچگاه اطلاعاتی راجع به وضعیت یا عملکرد آفا به خواهان یا به هیچیک از شرکای اولیه موعسه داده نشد. پس از دو سال مدیریت دولت و پس از تصمیم دولت در اکتبر ۱۹۸۱ به انحلال آفا، مشکل بتوان گفت که محرومیت [خواهان و سایر شرکای موعسه] موقت بوده است.

۳۲ - در پرونده سِدکو، اینک، منقول در بالا، صفحه ۴۴، 9 Iran-U.S. C.T.R. at 278-79 دیوان نظر داد که چنانچه "در تاریخ نصب مدیران موقت توسط دولت، هیچگونه امید منطقی به استرداد کنترل وجود نداشته، در اینصورت به طور قطع باید به این نتیجه‌گیری رسید که سلب مالکیت در آن تاریخ واقع شده است." آقای زرین نژاد در تاریخ دوم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۴]

ژوئیه ۱۹۷۹] رسماً" به مدیریت آفا منصوب و در ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] عهده‌دار وظایف خود شد. در نتیجه دیوان نظر می‌دهد که خواننده در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] خواهان را از علایق مالکانه‌اش در آفا محروم نمود و بنابراین مسئول است که از تاریخ فوق‌الذکر بابت زیان خواهان به وی غرامت بپردازد.

۳۳ - در حصول این نتیجه، دیوان تعدادی از استدالات خواننده را رد می‌کند. اول اینکه خواننده استدلال می‌کند که ادعای سلب مالکیت از خواهان محکوم به رد است، زیرا خواهان بعد از تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] سعی به اعمال حقوق مالکانه‌اش در آفا نکرد. لیکن، کوشش در اعمال حقوق مالکانه شرط قبلی توفیق ادعای غرامت بابت از دست دادن آن حقوق نیست. به مجرد آنکه مدیر دولتی کنترل آفا را به موجب لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] بدست گرفت، حقوق مالکانه شرکای آفا از بین رفت. تحت اوضاع و احوالی که در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] و بعد از آن خواهان شاهد آن بود و به ویژه بعد از تاریخ ۱۳ آبانماه ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] خواهان دلیلی نداشت که در اعمال حقوق مالکانه خود بکوشد یا تصور کند که اگر می‌کوشید، احتمال معقولی برای موفقیت می‌داشت.

۳۴ - دوم آنکه خواننده استدلال می‌کند که رها کردن آفا توسط بعضی از شرکای آن، انتصاب مدیر موقت به موجب لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] (۶) را از طرف دولت توجیه می‌کرد تا کارگران آفا مورد حمایت واقع و منافع دولت در پروژه‌های موعده حفظ شود. خواهان تکذیب می‌کند که شرکای آفا آن موعده را رها کردند.

---

(۶) در قسمتی از ماده ۱ لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] مقرر شده است: ... یک یا چند نفر به سمت مدیر یا هیئت مدیره و یا اعضاء ناظر به منظور جلوگیری از تعطیل بعضی شرکتها و سازمانهایی که مدیران یا صاحبان آنها "واحدهای مزبور و یا کارگاه خود را رها کرده و یا کار را متوقف نموده و یا به هر علت دسترسی به آنها میسر نیست منصوب خواهند شد".

۳۵ - دیوان این استدلال خواننده را رد می‌کند. دلایل و نگرانیهای خواننده در کنترل آفا وی را از مسئولیت پرداخت گرامت به خواهان بابت مصادره آن معاف نمی‌کند. بند ۲۲ حکم شماره ۲-۹۹-۲۱۷ مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۴ [۱۹ مارس ۱۹۸۶]، در پرونده فلیس داج کورپوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 10 Iran-U.S. C.T.R. 121, 130 در اوضاع و احوالی مشابه وضع پرونده حاضر، دیوان خاطرنشان نمود که:

دیوان دلایلی را که به موجب آن خواننده جهت حفظ منافع خود ناگزیر به انتقال مدیریت شد و نیز نگرانیهای مالی و اقتصادی و اجتماعی را که الهام بخش قانونی بود که خواننده به موجب آن اقدام کرد، کاملاً درک می‌کند. با اینحال، آن دلایل و نگرانیها نمی‌تواند رافع تعهد خواننده برای جبران زیان فلیس داج باشد.

همچنین بنگرید به: تیپتس، صفحه ۱۱، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 225-26 ("قصد دولت اهمیت کمتری از آثار اقدامات دولت بر صاحب مال دارد..."). علاوه بر این، دولت نمی‌تواند با اثبات اینکه اقداماتش به طور مشروع و طبق قوانین مصوب خود وی به عمل آمده از مسئولیت شانه خالی کند.

بنگرید به: صفحات ۱۳ و ۱۴ حکم شماره ۳-۲-۹۳ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳] در پرونده امریکن اینترنشنال گروپ، اینک، و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 4 Iran-U.S. C.T.R. 96, 105 ("یک اصل کلی حقوق بین‌الملل عمومی این است که حتی در موردی که ملی کردن طبق موازین قانونی صورت گرفته باشد، صاحب قبلی مال ملی شده [معمولاً] حق دارد بابت ارزش مال ضبط شده خسارت دریافت کند") و صفحه ۷ حکم شماره ۱ - ۱۶۱ - ۱۸۴ مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۳ اوت ۱۹۸۵]، در پرونده آی.ان.آ. کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 8 Iran-U.S. C.T.R. 373,378. دیوان نتیجه می‌گیرد که از لحاظ احراز مسئولیت خواننده بابت سلب حقوق مالکانه خواهان، این نکته حائز اهمیت نیست که آیا اقدام سازمان برنامه و بودجه طبق لایحه قانونی مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] در انتصاب مدیر موقت برای آفا، موجه بوده است یا خیر.

۳۶ - گرچه عزیمت برخی از شرکای آفا پیش از تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] هیچ تأثیری در تعهد خواننده به پرداخت غرامت به خواهان بابت مصادره اموال وی ندارد، معیناً این واقعیت ممکن است در ارزش مؤسسه و در نتیجه در مبلغ غرامت قابل پرداخت به خواهان مؤثر باشد.

### ب - ارزش گذاری

#### ۱ - معیار پرداخت غرامت و روش ارزشگذاری

۳۷ - طبق عهدنامه مودت بین ایران و ایالات متحده، (۷) غرامت پرداختی به خواهان باید "معادل کامل" (۸) مال ضبط شده باشد. بنگنید به : فلیس داج کورپوریشن و دیگران، بند ۲۸، 10 Iran-U.S. C.T.R. at 132، بند ۱۰۵ حکم شماره ۲-۱۳۱-۵۱۸ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۷۰ [۱۴ اوت ۱۹۹۱] در پرونده پترولین اینک و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 27 Iran-U.S. C.T.R. 64, 99. بنابراین، دیوان باید "معادل کامل" ۸/۶ درصد علاقه مالکانه خواهان در آفا را تعیین نماید.

- (۷) عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایالات متحده آمریکا و ایران که در تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۳۴ [۱۵ اوت ۱۹۵۵] به امضا رسید و در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۳۶ [۱۶ ژوئن ۱۹۵۷] به اجرا درآمد.
- (۸) 284 U.N.T.S. 93, T.I.A.S. No. 3853, 8 U.S.T. 900.  
مقررات ذیربط عهدنامه مودت در بند ۲ ماده چهار آن دیده می شود که به شرح زیر است:

اموال اتباع و شرکتهای هر یک از طرفین معظمین متعاهدین از جمله منافع اموال از حد اعلای حمایت [و] امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات قانون بین المللی نباشد، در داخل قلمرو طرف متعاهد معظم دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه آنها بی آنکه غرامت عادلانه آنها به اسرع اوقات پرداخت شود گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه مؤثری قابل تحقق باشد، و بنحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است و قبل از آنکه گرفته شود یا در حین گرفتن مال قرار کافی جهت تعیین مبلغ غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد.

۳۸ - خواهان هرچند اظهار می‌دارد که آفا در تاریخ ضبط شرکت دائری بوده، در لوایح خود تصریح کرده است که غرامت بابت علایق مالکانه خود در آفا را براساس ارزش شرکت دایر مطالبه نمی‌کند، بلکه فقط خواستار "ارزش خالص تعدیل شده" سهام خود در آفاست. ارزش مزبور نه شامل درآمدهای آتی و نه شامل سرقفلی و سایر داراییهای دینی آفاست، بلکه فقط "ارزش داراییهای عینی و بدهیهای واقعی آفا یعنی براساس وضع مالی موجود آن" در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] است. از آنجا که ارزش این داراییهای عینی "بستگی به [روش تجزیه و تحلیل موعسه دایر ندارد]" بند ۵۲ حکم شماره ۱-۳۱۷-۲۹۸ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷] در پرونده سولا تایلز، اینک و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 223, 238، در پرونده حاضر این موضوع حائز اهمیت است که آیا آفا در تاریخ مصادره موعسه دایری بوده یا خیر، و بنابراین لزومی ندارد که دیوان به آن پردازد.

۳۹ - خواهان پیشنهاد می‌کند که سهم وی از "ارزش خالص تعدیل شده" آفا به طریق زیر محاسبه شود. وی ارزش داراییهای عینی، منجمله داراییهای ثابت، اوراق بهادار و حسابهای دریافتنی آفا را در تاریخ مصادره محاسبه و بدهیهای آفا را در آن تاریخ از آن تفریق می‌کند. این محاسبه ارزش خالص آفا را بدست می‌دهد. خواهان سپس ارزش ۸/۶ درصد سهم ناخالص خود را براساس ارزش خالص آفا محاسبه می‌کند و سپس مابه‌التفاوت بدهیهای خود به آفا و بدهیهای آفا به خود را محاسبه و بالاخره با کسر آن از ارزش ناخالص سهم، ارزش خالص سهم خود را بدست می‌آورد.

۴۰ - دیوان موافق است که روش فوق برای تعیین ارزش ۸/۶ درصد علایق مالکانه خواهان در آفا روش مناسبی است. "ارزش خالص تعدیل شده" که خواهان به عنوان

مبنای ارزشگذاری خود به کار برده، مشابه ارزشی است که دیوان در احکام پیشین خود ارزش بعد از تصفیه یا انحلال نامیده است. (۹) در پرونده تیتیس، ص ۱۱، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 226، دیوان ارزش بعد از تصفیه را چنین تعریف کرد:

خواهان پرونده حاضر فقط ارزش منافع خود در تامز-آفا را بعد از تصفیه آن، یعنی ارزش تامز-آفا بعد از وصول کلیه داراییها و ایفای کلیه تعهدات مطالبه می‌کند. بنابراین وظیفه دیوان اینست که از داراییها و تعهدات تامزآفا در دهم اسفندماه ۱۳۵۸ [اول مارس ۱۹۸۰] دقیق ترین برآورد ممکن را بدست دهد. اینکار تنها متضمن ارزشگذاری حسابهای بانکی و داراییهای ثابت نبوده، بلکه مستلزم ارزشگذاری حسابهای دریافتنی تامزآفا از جمله حسابهای مشمول قرارداد فرودگاه بین‌المللی و نیز دیون تامزآفا از جمله دیون مالیاتی و بیمه‌های اجتماعی و تعهدات بالقوه مانند تعهداتی که در ادعای متقابل به موجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی در پرونده حاضر اقامه شده و دیونی که احتمالاً از ضمانتنامه‌های بانکی ناشی شود نیز می‌باشد.

۴۱ - خواهان پرونده سدکو اینک و شرکت ملی نفت ایران و دیگران،

حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷]، چاپ شده در 23 Iran-U.S. C.T.R. 15، مانند خواهان پرونده حاضر، نه خواستار عدم‌النفع بود و نه سهم خود را از شرکت صادره شده براساس ارزش موعسه دایر مطالبه می‌کرد، بلکه سهم پنجاه درصد خود را از ارزش موسوم به "ارزش درحال تصفیه" آن شرکت مطالبه می‌نمود. دیوان موافقت کرد که این روش مناسب برای ارزشگذاری است و اشعار داشت که:

---

(۹) بطوریکه بحث زیر نشان می‌دهد، دیوان اصطلاحات "ارزش بعد از تصفیه" و "ارزش بعد از انحلال" را بطور مترادف به کار برده است.

خواهان "ارزش در حال تصفیه" را به مفهوم دقیق حسابداری به کار نمی‌برد، زیرا از دیوان نمی‌خواهد آن چیزی را محاسبه نماید که اگر سدیران واقعا" در نوامبر ۱۹۷۹ تصفیه می‌شد، عاید وی می‌گردید. بلکه تقاضا می‌کند که ملاک عمل دیوان "برچیده شدن عملیات سدیران و فروش داراییهای آن... در بازار آزاد" و از قرار معلوم، بدون هیچ تخفیفی در قیمت عادلانه بازار داراییها که ممکن است در حالت تصفیه ورشکستگی واقعی به عمل آید، در نظر گرفته شود. همانجا. دیوان قبول دارد که این ضابطه، ضابطه ارزش عادلانه در پرونده حاضر می‌باشد. رجوع شود به : صفحه ۱۲ [متن انگلیسی] حکم شماره ۷-۲-۱۴۱، مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۴ [هشتم تیرماه ۱۳۶۳] در پرونده تپتس، آبت، مک کارتی، استراتین و مهندسین مشاور تامس - آفا که در 6 Iran-U.S. C.T.R. 219,226 نیز چاپ شده است. بنابراین خواهان حق دارد بابت غرامت صادره شدن سهام خود در سدیران، نصف ارزش کامل کلیه داراییهای سدیران، از جمله اموال، موجودی نقدی، اوراق بهادار و حسابهای دریافتنی منهای بدهیهای معوقه شرکت در هنگام ضبط را دریافت نماید.

پرونده سدکو اینک، مذکور در فوق، بند ۲۶۷، 15 Iran-U.S. C.T.R. at 101-102، همچنین بنگرید به : بند ۵۸ حکم شماره ۲-۱۲۹/۱۲۸-۴۱۹ مورخ دهم فروردین ماه ۱۳۶۸ [۳۰ مارس ۱۹۸۹]، در پرونده سدکو اینک و دیگران و شرکت صنایع دریایی ایران و دیگران، چاپ شده در 31, 57 Iran-U.S. C.T.R. 21 (که در آن پذیرفته شد که روش صحیح ارزشگذاری، تعیین ارزش انحلال است که با محاسبه ارزش داراییهای ثابت، حسابهای دریافتنی و داراییهای نقدی شرکت در تاریخ سلب مالکیت و تفریق دیون معوقه در آن تاریخ از آن بدست می‌آید).

۴۲ - دیوان ارزش علایق مالکانه خواهان در آفا را با توجه به اصول ارزشگذاری مندرج در احکام مذکور در فوق تعیین خواهد کرد. به علاوه در تعیین ارزش مذکور، دیوان "نباید خود مصادره یا رویدادهای قبل از آن را که به منظور تقلیل ارزش اموال صورت گرفته، جزو عوامل

مؤثر در ارزش به حساب آورد". سدکوه اینک، (بند ۳۱ حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹)، مذکور در فوق، C.T.R. at 35 Iran-U.S. C.T.R. 15. همچنین بنگرید به : صفحات ۱۷-۱۵ امریکن اینترنشنال گروپ ، مذکور در فوق، 4 Iran-U.S. C.T.R. 96, 106-107. از طرف دیگر، در عین حال که هرگونه کاهش ارزش منتج از نفس سلب مالکیت باید نادیده گرفته شود، دیوان تشخیص می‌دهد که تغییرات حاصله در شرایط کلی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، تا آنجا که اثر آنها بر ارزش داراییهای شرکت منطقا" قابل پیش بینی بوده، باید به حساب آورده شود.

## ۲ - اظهارات طرفین

۴۳ - طبق محاسبه خواهان ارزش خالص آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مبلغ /-۶۳۰،۸۳۲،۵۰۴ ریال و ارزش خالص ۸/۶ درصد سهم مالکانه وی در آن مؤسسه مبلغ /-۲۲۹،۲۷۱،۲۱۵ ریال بوده است. خواهان اظهار می‌دارد که در تاریخ صادره، "ارزش دفتری خالص تعدیل شده" داراییهای عینی آفا کلا" /-۱۷۵،۳۵۹،۳۰۰ ریال و بدهیهای آن کلا" /-۴۹۶،۵۲۶،۵۴۵ ریال بوده است.

۴۴ - در گزارش وضع مالی آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] که در نوامبر ۱۹۷۹ توسط آقای احمد راد ناظر مالی منصوب دولت برای آفا تنظیم گردید ("گزارش مالی سال ۱۳۵۸" مذکور در بند ۱۲ فوق) نتیجه‌گیری شد که ارزش خالص آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مبلغ /-۲۰۷،۵۹۲،۲۶۳ ریال بوده است. طبق محاسبات آقای راد داراییهای آفا مبلغ /-۷۹۸،۷۹۹،۹۰۶ ریال و بدهیهای آن مبلغ /-۵۹۱،۵۵۷،۳۵۳ ریال بوده است.

۴۵ - خواهان در تاعیید ارزشگذاری خود از آفا، یک گزارش ارزشیابی از مؤسسه حسابداری بین‌المللی ارنست اند یانگ تسلیم کرده است. علاوه بر این، خواهان دو



نفر شاهد کارشناس به اسامی آقایان رابرت رایلی و ورام گرجیان در جلسه استماع معرفی نمود. آقای رایلی مدیر و یکی از دو نفر صاحب یک مؤسسه مشاوره، ارزشیابی، تحلیل اقتصادی و مشاوره مالی در ایالات متحده موسوم به ویلیامت منجمنت اسوشی ایتس است. آقای گرجیان حسابدار متخصص مالیات و کارشناس مالیاتی ایران و یکی از تهیه کنندگان گزارش ارنست اند یانگ است.

۴۶ - خواننده نیز چند گزارش ارزشیابی تسلیم کرده است. مؤسسه نوآوران ("نوآوران") که یک مؤسسه حسابرسی ایرانی است در اولین گزارشی که تهیه کرد نتیجه‌گیری نموده است که آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ارزش خالص مثبتی به مبلغ ۸۸،۷۷۰،۲۰۷/- ریال و ۸/۶ درصد سهم خواهان، ارزش خالص منفی‌ای به مبلغ ۱۲،۰۴۱،۶۵۷/- ریال داشته‌است. طبق محاسبات نوآوران، داراییهای آفا مبلغ ۱،۰۲۴،۷۰۲،۸۷۶/- ریال و بدهیهای آن مبلغ ۹۳۵،۹۳۲،۶۶۹/- ریال بوده است. نوآوران در پاسخ به گزارش ارنست اند یانگ یک گزارش تکمیلی تهیه کرده است.

۴۷ - خواننده گزارشی از مؤسسه حسابرسی رسمی توش‌راس اند کامپنی ("توش‌راس") نیز که یک مؤسسه بین‌المللی حسابرسی است، تسلیم کرده است. آقایان آنتونی جی. پی. تریسی و اردوان مشیری که تنظیم کننده گزارش توش‌راس هستند در جلسه استماع به عنوان شهود کارشناس خواننده حضور داشتند. آقای تریسی مدیر مسئول ارزشگذاری در بخش مالی شرکتها در شعبه توش‌راس در لندن و آقای مشیری مدیر ارشد در بخش حسابرسی مؤسسه مزبور است.

۴۸ - و بالاخره، خواننده گزارشی از بدهیهای مالیات بر درآمد آفا تسلیم کرده است که آقای بهروز وقتی، حسابدار خبره مقیم ایران و کارشناس مالیاتی ایران تنظیم نموده است. آقای وقتی نتیجه‌گیری کرده است که در تاریخ سلب مالکیت، آفا

ارزش خالص منفی ای برابر  $۱۲۶،۰۷۵،۳۶۱/-$  ریال و  $۸/۶$  درصد سهم خواهان در آن موافسه، ارزش خالص منفی ای برابر  $۲۵،۳۱۴،۱۹۶/-$  ریال داشته است. آقای وقتی به عنوان شاهد کارشناس خوانده در جلسه استماع حضور داشت.

### ۳ - یافته‌های دیوان

#### الف - پیشگفتار

۴۹ - دیوان براساس روش خود در گذشته، با حداکثر استفاده ممکن از ادله موجود در پرونده و با توجه به کلیه جوانب و اوضاع و احوال پرونده، دقیق ترین برآورد ممکن را از ارزش آفا و سهم مالکانه خواهان در آن بدست خواهد داد. بنگرید به: تیتس، صفحات ۱۱ و ۱۲، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 226، تامس ارل پین، مذکور در فوق، بند ۳۷، 12 Iran-U.S. C.T.R. at 15. همچنین بنگرید به: بند ۳۳۹ حکم نهایی شماره ۱-۲۴-۳۱۴ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷]، در پرونده استارت هاوزینگ کوریوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 16 Iran-U.S. C.T.R. 112, 221. در مورد مشابهی، دیوان نظر داده است که "با اینکه خواهان باید بار اثبات ارزش شرکت صادره شده را با ارائه بهترین ادله موجود بر عهده گیرد، دیوان نیز باید آماده باشد که موقعیت نامناسب خواهان، یعنی عدم دسترسی او را به مدارک مفصل، به عنوان عواقب اجتناب ناپذیر شرایطی که سلب مالکیت تحت آنها صورت گرفته، تاحدودی مورد توجه قرار دهد". سولا تایلز، اینک، مذکور در فوق، بند ۵۲، 14 Iran-U.S. C.T.R. 223, 238.

۵۰ - دیوان گزارشی را که در اواخر سال ۱۹۷۹ توسط ناظر مالی منصوب دولت در آفا تنظیم گردیده به ویژه موثر در مقام می‌داند. چنانکه قبلاً در حکم حاضر

خاطرنشان گردید، در گزارش مالی مزبور حسب اظهار "ارزش واقعی" داراییها و بدهیهای آفا در تاریخ سلب مالکیت یعنی ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] برآورد شده است. گرچه سند مزبور توسط فرد منصوب از ناحیه سازمان صادره کننده تنظیم شده، معینا سندی از آن زمان و حاکی از ارزش آفا در تاریخ سلب مالکیت است که مستقل از جریان رسیدگی حاضر تهیه شده و بدین ترتیب، نقطه آغاز مفیدی به دست می دهد تا دیوان بتواند راه "ارزش آفا را در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ارزیابی نماید.

۵۱ - لیکن گزارش مالی سال ۱۳۵۸ نمی تواند تنها مبنای تصمیم گیری دیوان باشد. طرفین توافق دارند که گزارش مزبور تصویر کاملی از وضع مالی مؤسسه در آن تاریخ به دست نمی دهد و به ویژه برخی از داراییهایی که حقا باید جزو ارزش آفا منظور می شد، مانند دفتر مرکزی آفا و سهم مالکانه آن در تامز - آفا در گزارش مورد بررسی واقع نشده است.

#### ب - داراییهای آفا

۵۲ - دیوان تنها اقلام عمده داراییها را که مورد اختلاف طرفین است به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد داد.

#### (۱) - دفتر مرکزی آفا واقع در خیابان تخت جمشید، پلاک ۲۸

۵۳ - خواهان اظهار می دارد که آفا صاحب ساختمان اداری بزرگی در مرکز شهر تهران یعنی در خیابان تخت جمشید شماره ۲۸ بود که اینک معروف به خیابان طالقانی غربی است. وی می گوید که ساختمان مزبور در سال ۱۳۵۳ با وجوه مؤسسه و به نام چند تن از شرکای آن و اعضای خانواده آنها خریداری شد. خواهان می گوید

که ارزش این ساختمان، که حسب ادعا ۲۴۹،۹۰۰،۰۰۰/- ریال است، باید جزو داراییهای آفا منظور گردد. در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ ذکری از این ساختمان به میان نیامده است.

۵۴ - خواننده تکذیب می‌کند که آفا مالک ساختمان مورد بحث بوده و براساس سند مالکیت ساختمان، اظهار می‌دارد که ساختمان مزبور متعلق به چند نفر "اشخاص حقیقی" بوده است و نتیجه می‌گیرد که چون ساختمان واقع در پلاک ۲۸ خیابان تخت جمشید دارای شرکت محسوب نمی‌شود، لذا ارزش آن نباید در تعیین ارزش آفا منظور گردد.

۵۵ - در قباله اصلی مورخ آذرماه ۱۳۵۳ خرید ساختمان واقع در پلاک ۲۸ خیابان تخت جمشید، که خواننده ارائه نموده، اسامی عبدالعزیز فرمانفرمائیان، محمدرضا مجد و خسرو معاونی، شرکای آفا، به انضمام اسامی چند نفر دیگر که ظاهراً اعضای خانواده‌های آنها بودند، به عنوان "خریداران" ذکر شده است.

۵۶ - خواهان به عنوان دلیل، نسخه‌هایی از نامه‌های متبادله در اواخر سال ۱۹۸۴ بین مدیر تصفیه آفا (که منتخب سازمان برنامه و بودجه بود)، سازمان برنامه و بودجه و سازمان تبلیغات اسلامی تسلیم کرده است. در نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه آفا به سازمان برنامه و بودجه آمده است که در سال ۱۳۵۳ [۲۱ مارس ۱۹۷۴ الی ۲۰ مارس ۱۹۷۵] یک باب ساختمان نه طبقه در قطعه زمینی به مساحت ۶۹۰ مترمربع واقع در خیابان طالقانی غربی (۱۰) شماره ۲۸ به مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال از منابع مالی مؤسسه عبدالعزیز

---

(۱۰) طرفین توافق دارند که تخت جمشید و طالقانی غربی اسامی خیابان واحدی هستند.

فرمانفرماتیان و همکاران خریداری ولی سند مالکیت در دفتر اسناد رسمی بنام بعضی از شرکا و خانواده‌شان ثبت و صادر می‌شود. در ادامه نامه آمده است که "با توجه به اینکه ساختمان از محل منابع مالی موعسه [آفا] خریداری شده... جزو داراییهای موعسه می‌باشد. در نامه مضافا آمده است که در مهرماه ۱۳۶۱ یک کارشناس رسمی دادگستری، ارزش ساختمان را ۲۴۹،۹۰۰،۰۰۰/- ریال برآورد کرد و مضافا اینکه ساختمان مزبور بعدا" به همین مبلغ به سازمان تبلیغات اسلامی فروخته شد. در نامه همچنین ذکر شده است که سازمان مزبور تا آن تاریخ فقط مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال از کل بهای ساختمان را پرداخت کرده و از این که سازمان کل قیمت را هنوز نپرداخته شکایت دارد.

۵۷ - مدارک تسلیمی خواهان مضافا" نشان می‌دهد که در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۶۳ [هشتم اکتبر ۱۹۸۴] سازمان برنامه و بودجه طی نامه‌ای از سازمان تبلیغات اسلامی خواست که بقیه قیمت خرید ساختمان را به آفا پرداخت نماید. سازمان مزبور طی نامه مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۳ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۴] پاسخ داد که به محض واریز بودجه سازمان، "نسبت به پرداخت بدهی ساختمان اقدام می‌گردد". در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۶۳ [۲۹ نوامبر ۱۹۸۴] سازمان برنامه و بودجه با اشاره به "پرداخت بقیه بهای ساختمان آن شرکت واقع در خیابان طالقانی"، نسخه‌ای از نامه مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۳ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۴] سازمان تبلیغات اسلامی را برای مدیر تصفیه آفا ارسال نمود.

۵۸ - آقای زرین نژاد مدیر دولتی آفا در شهادتنامه مقید به سوگند خود اظهار داشت که ساختمان واقع در شماره ۲۸ خیابان تخت جمشید متعلق به آفا و یکی از اقلام عمده داراییهای آن بوده است.

۵۹ - خواننده ارزش اثباتی ادله خواهان را تکذیب و به ویژه انکار می‌کند که ساختمان

اداری آفا به شرح مندرج در نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه آفا اصولاً به سازمان تبلیغات اسلامی فروخته شده باشد، بلکه اظهار می‌دارد که ساختمان مزبور "به اشغال دادستانی انقلاب درآمد و در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت". ظاهراً در تأیید این اظهار، خواننده در لایحه مورخ هشتم مهرماه ۱۳۷۰ [۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱] خود نامه مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] سازمان اموال صادره شده بنیاد مستضعفان را ارائه کرده که در آن به آفا اطلاع داده شده است که "به موجب حکم دادستان انقلاب اسلامی، ملک استیجاری شما که متعلق به عبدالعزیز فرمانفرمائیان بوده تحت سرپرستی "بنیاد مستضعفان قرار گرفته است.

۶۰ - به نظر دیوان، نامه مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] اظهارات خواننده را تأیید نمی‌کند. در نامه مزبور حتی ذکری از ساختمان شماره ۲۸ خیابان تخت جمشید نشده و بنابراین نمی‌تواند از ارزش اثباتی سایر نامه‌هایی بکاهد که در بندهای ۵۶-۵۷ بالا به عنوان دلیل ذکر و در آنها به ساختمان اشاره گردیده و نشان می‌دهند که ساختمان مزبور در سال ۱۳۶۱ به سازمان تبلیغات اسلامی فروخته شده است. دیوان متقاعد شده است که عبارت "ملک استیجاری" متعلق به عبدالعزیز فرمانفرمائیان که در نامه مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] بنیاد مستضعفان مورد اشاره واقع شده، همان ساختمان مورد اختلاف در این پرونده نیست، بلکه ساختمان واقع در شماره ۱۱۸ میدان کاخ در تهران است که ساختمان هیئت مدیره آفا بوده است. آقای زرین نژاد در شهادتنامه مقید به سوگند خود که در تاریخ ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷ [ششم اکتبر ۱۹۸۸] ثبت شده، گواهی داده است که ساختمان شماره ۱۱۸ میدان کاخ متعلق به فرمانفرمائیان بوده و آفا آن را اجاره کرده بوده است.

۶۱ - براساس ادله تسلیمی، دیوان نظر می‌دهد که ساختمان واقع در شماره ۲۸ خیابان

تخت جمشید متعلق به آفا بوده است. ادله مزبور نشان می‌دهد که سازمان برنامه و بودجه که آفا را تحت مدیریت دولت در آورده بود، مدیر دولتی آفا و مدیر تصفیه آفا، همگی آفا را مالک ساختمان مذکور می‌شناختند، قطع نظر از اینکه در سند مالکیت سال ۱۳۵۳ چه کسانی به عنوان خریداران اولیه ذکر شده‌اند. دیوان معتقد است که درحالیکه سازمان برنامه و بودجه، مدیر دولتی آفا و مدیر تصفیه منصوب دولت برای آفا هرگز سند مالکیت سال ۱۳۵۳ ساختمان را مؤثر در موضوع مالکیت آن نمی‌دانستند، قابل توجیح نیست که اینک دیوان آن را چنین تلقی نماید. در این رابطه، دیوان به ویژه این موضوع را حایز اهمیت می‌داند که مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال پرداختی توسط سازمان تبلیغات اسلامی بابت خرید ساختمان مزبور، در واقع به آفا پرداخت شده است. بند ۵۰ فوق.

۶۲ - دیوان اینک به تعیین ارزش ساختمان در تاریخ صادره، یعنی ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] می‌پردازد. از آنجا که ادله تسلیمی در پرونده حاضر چنان نیست که دیوان را قادر به تعیین دقیق قیمت ساختمان در آن تاریخ کند، دیوان باید با حداکثر استفاده از ادله موجود در سوابق پرونده، بند ۴۹ بالا، نزدیکترین تقریب به قیمت مزبور را بدست آورد. طبق مندرجات نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه آفا، آفا ساختمان مزبور را در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴/۷۵) به مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال خریداری کرد و در سال ۱۹۸۲ به مبلغ ۲۴۹،۹۰۰،۰۰۰/- ریال (بهایی که کارشناس رسمی ایران تعیین کرده است) فروخت. نظر به قلت نسبی مدارک موجود درباره ارزش ساختمان مزبور در تاریخ صادره، دیوان منطقی می‌بیند که بررسی خود را با مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال که قیمت خرید است آغاز کند.

۶۳ - به علاوه، چون "با استفاده صرف از قیمت واقعی دفتری، آثار تورم منظور نمی‌شود"، قیمت خرید باید تعدیل اضافی

شود تا اثر تورم از تاریخ خرید تا تاریخ مصادره در آن ملحوظ گردد. بنگرید به: سدکو، اینک (حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹) مذکور در بالا، بند ۳۱۳، 15 Iran-U.S. C.T.R. at 115. بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ شاخص هزینه کالاهای مصرفی در ایران ۴۰/۹ درصد افزایش یافت. بنگرید به نشریه: 1988 International Financial Statistics 421 (که صندوق بین‌المللی پول منتشر می‌کند) لیکن در عین حال، دیوان نباید اثر منفی انقلاب اسلامی را بر ارزش ساختمان آفا از نظر دور بدارد. همه می‌دانند که در طول سال ۱۹۷۹ آثار انقلاب اسلامی و به تبع آن تقلیل اطمینان سرمایه‌گذاران بطور موقت بازار مستغلات تجاری را در تهران راکد کرد.

۶۴ - بطور خلاصه، در عین حال که این فرض منطقی است که تورم موجب ازدیاد ارزش ساختمان آفا در سال ۱۹۷۹ در مقایسه با سال ۱۹۷۴ می‌گردید، آثار منفی انقلاب اسلامی تا حدودی این ازدیاد ارزش را خنثی می‌کرد. دیوان چنین نظر می‌دهد که اضافه ارزش حاصله به علت تورم ظرف تقریباً "مدت پنج سال، بیش از کاهش حاصله به علت آثار انقلاب در سال ۱۹۷۹ بود. بدین لحاظ، دیوان بر اساس مدارک موجود و با توجه به کلیه اوضاع و احوال پرونده حاضر، عادلانه و منطقی می‌یابد که قیمت خرید ساختمان آفا در سال ۱۳۵۳، یعنی مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال را بیست و پنج درصد اضافه کرده و مبلغ ۱۳۳،۹۸۶،۰۳۶/- ریال در نظر بگیرد. این ارزش باید در ارزشگذاری آفا منظور گردد.

## ۲ - سرمایه‌گذاری در تامز - آفا

۶۵ - بحثی نیست که آفا پنجاه درصد سهم مالکانه در مؤسسه تامز - آفا داشت. تامز - آفا یک شرکت تضامنی ایرانی بود که آفا، به منظور انجام خدمات مهندسی و



معماری در پروژه فرودگاه بین‌المللی تهران، به اتفاق شرکت آمریکایی تیپتس، آبت، مک کارتی، استراتن (تامس) تشکیل داده بود. بند ۷ فوق. لیکن در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ ذکری از این دارایی به میان نیامده است.

۶۶ - در پرونده تیپتس، صفحات ۱۴ و ۱۵، Iran-U.S. C.T.R. at 228، 6، دیوان به این نتیجه رسید که ارزش خالص تامز - آفا در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۸ [اول مارس ۱۹۸۰] مبلغ ۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال بوده است. علاوه بر آن، دیوان نظر داد که "دین تامز - آفا به آفا تقریباً ۴۷ میلیون ریال بیشتر از دینی است که بابت بازپرداخت هزینه‌ها به تامز داشته است"، همان مآخذ.

۶۷ - خواننده ۵۰ درصد سهم مالکانه آفا در تامز - آفا را به رسمیت می‌شناسد و براساس رأی دیوان در پرونده تیپتس، ارزش آن را مبلغ ۴۴۷،۰۰۰،۰۰۰/- ریال می‌داند. این مبلغ، حاصل جمع رقم ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریالی است که دیوان بابت ۵۰ درصد ارزش تامز - آفا قائل شده و رقم ۴۷ میلیون ریالی که به نظر دیوان مابه‌التفاوت کل دیون تامز - آفا به آفا و به تامز بوده است.

۶۸ - خواهان اظهار می‌دارد که سهم آفا در تامز - آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] نمی‌تواند کمتر از مقداری باشد که دیوان در پرونده تیپتس نظر داده است. لیکن خواهان اظهار می‌دارد که دیوان مقید به تصمیم خود در آن پرونده نبوده و مختار است که ۵۰ درصد سهم آفا را با استفاده از مدارک کاملتر، ارزشگذاری نماید. خواهان اظهار می‌دارد که مدارکی که وی در پرونده حاضر ارائه کرده نشان می‌دهد که ارزش تامز - آفا در ماه مارس ۱۹۸۰ به مراتب بیشتر از آن بوده که ادله موجود در پرونده تیپتس نشان می‌دهد.

۶۹ - در تأیید اظهار فوق، خواهان به ویژه استناد به گزارشی می‌کند که وضع مالی تامز - آفا را در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] نشان می‌دهد و ظاهراً در سال ۱۹۸۰ زیر نظر مدیر دولتی تامز - آفا تنظیم شده است ("گزارش مالی تامز - آفا"). براساس گزارش مزبور، خواهان می‌گوید که سهم آفا در تامز - آفا حدوداً "۸۹۳،۵۵۹،۷۵۳/- ریال بوده است. خواهان رقم مزبور را به شرح زیر بدست می‌آورد: در گزارش مالی تامز - آفا اظهار شده که ارزش خالص تامز - آفا مبلغ ۵۷۱،۱۳۵،۸۶۳/- ریال بود. علاوه براین، گزارش نامبرده مطالباتی جمعا" به مبلغ ۱،۲۸۰،۶۸۸،۳۹۷/- ریال از سازمان هواپیمایی کشوری (۱۱) هم به عنوان دارایی در ستون "بدهکاران" و هم به عنوان بدهی در ستون "طلبکاران" آورده است. خواهان استدلال می‌کند که اثر تهاثر این دو رقم مساوی، که یکی در ستون داراییها و دیگری در ستون بدهیهای ترازنامه تامز - آفا ذکر شده، به دلیل استفاده از یک روش حسابداری موسوم به "حسابداری دوبل" است که نشانگر این واقعیت می‌باشد که حق‌الزحمه مورد بحث هنوز پرداخت نشده است. خواهان اضافه می‌کند که این روش حسابداری ارزش حسابهای دریافتنی مؤسسه، منجمله حق‌الزحمه معوقه را که سازمان هواپیمایی کشوری به تامز - آفا بدهکار است، تقلیل نمی‌دهد.

۷۰ - خواهان نتیجه‌گیری می‌کند که ارزش واقعی تامز - آفا در مارس ۱۹۸۰ دست کم مجموع ارزش خالص موعسه به شرح مندرج در گزارش مالی تامز - آفا، یعنی مبلغ /۸۶۳،۱۳۵،۵۷۱ ریال، به علاوه ارزش مطالبات آن از سازمان هواپیمایی کشوری به مبلغ /۳۹۷،۶۸۸،۲۸۰ ریال بوده که جمع این دو مبلغ به /۲۶۰،۸۲۴،۸۵۱ ریال بالغ می‌شود. خواهان معتقد است که ارزش تامز - آفا در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] مطمئن‌ترین شاخص ارزش موعسه مزبور در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] است. خواهان پس از انجام تعدیلاتی به این نتیجه می‌رسد که ارزش ۵۰ درصد سهم آفا در تامز - آفا تقریباً " /۷۵۳،۵۵۹،۸۹۳ ریال بوده است.

۷۱ - طرفی که خواستار تعدیل ارزشگذاری انجام شده در یکی از احکام پیشین دیوان است، بار سنگینی برای متقاعد کردن دیوان بر عهده دارد. استدلال "حسابداری دوپل" خواهان برای دیوان متقاعد کننده نیست. در گزارش مالی تامز - آفا مطلبی حاکی از اینکه ثبت دوپل حسابهای دریافتنی در واقع "حسابداری دوپل" بوده و نیز قرینه‌ای حاکی از اینکه روش حسابداری مزبور در مورد هیچیک از سایر حسابهای دریافتنی در گزارش اعمال شده باشد، وجود ندارد. به دلایل مذکور در فوق، دیوان با ادله تسلیمی در پرونده حاضر متقاعد نشده است که ارزشگذاری دیوان در حکم پیشین آن باید در حکم حاضر تغییر داده شود.

۷۲ - دیوان براساس نظرات خود در پرونده تینتسی نتیجه می‌گیرد که ارزش ۵۰ درصد سهم آفا در تامز - آفا مبلغ /۴۴۷،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده است. این مبلغ باید در تعیین ارزش آفا منظور گردد.

۳ - حسابهای دریافتنی

۷۳ - خواهان ادعا می‌کند که مبلغ حسابهای دریافتنی آفا در تاریخ سلب مالکیت ۱،۱۲۵،۳۵۷،۳۸۸/- ریال بوده است. بنا به اظهار خواهان، ۲۲ کارفرمای آفا جمعا این مبلغ را به آفا بدهکار بودند.

۷۴ - در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ کلا مبلغ ۴۲۴،۱۹۶،۱۵۵/- ریال به عنوان بدهی ۱۰ کارفرما منعکس شده و مبلغ ۳۷۳،۱۲۵،۸۶۲/- ریال دیگر از حسابهای دریافتنی در حساب "ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول برخی از کارفرمایان" منظور و حذف گردیده است.

۷۵ - خوانده معتقد است که ارزش حسابهای دریافتنی آفا در تاریخ سلب مالکیت ۴۶۹،۵۴۶،۶۴۹/- ریال بوده است و ادعا می‌کند که کل این مبلغ را ۱۱ کارفرما به آفا بدهکار هستند. خوانده مطالبات دیگری به مبلغ ۲۸۹،۸۰۴،۷۲۸/- را از حسابهای دریافتنی حذف و استدلال می‌کند که این مبلغ را کارفرمایان "تاعید" نکرده‌اند و لذا غیرقابل وصول بوده‌اند.

۷۶ - دیوان منحصراً سه فقره حساب دریافتنی عمده مورد اختلاف طرفین را مفصلاً مورد بحث قرار خواهد داد.

سازمان ملی صنایع مس (پروژه سرچشمه)

۷۷ - آفا مندرجات گزارش مالی سال ۱۳۵۸ را در خصوص ۹۳،۶۸۴،۶۷۶/- ریال بدهی سازمان ملی صنایع مس ("صنایع مس") به آفا بابت این پروژه قبول دارد.

۷۸ - خواننده ادعا می‌کند که صنایع مس/۷۰،۶۶۷،۳۱۱ ریال از مبلغ فوق را تأیید نکرده و لذا بابت پروژه سرچشمه تنها /۲۳،۰۱۷،۶۳۵ ریال بدهکار است. خواننده در ادامه همین مطلب می‌افزاید که صنایع مس کل رقم اخیر به جز /۳،۵۶۷،۶۹۲ ریال آن را در تاریخ سلب مالکیت پرداخت کرده بود. خواننده برای اثبات این ادعا به گزارش نوآوران استناد می‌کند.

۷۹ - نوآوران از طریق محاسبات زیر به رقم فوق‌الذکر دست یافته است. آن شرکت ادعا می‌کند که صنایع مس مبلغ /۶۶۳،۷۲۶،۸۵۱ ریال از صورتحساب /۷۴۷،۸۷۵،۱۶۲ ریالی مورخ نهم مهرماه ۱۳۵۷ [اول اکتبر ۱۹۷۸] آفا را تأیید و مبلغ /۶۴۰،۷۰۹،۴۸۶ ریال آن را پرداخت نمود و در نتیجه، /۲۳،۰۱۷،۳۶۵ ریال تصفیه نشده باقی ماند. نوآوران سپس اظهار می‌دارد که مبلغ اخیر "نیز تصفیه شده است". اما نوآوران نه صورتحساب آفا را ارائه نموده و نه نامه صنایع مس را دایر بر عدم تأیید و یا پرداخت وجه. در عوض، نوآوران سه نامه داخلی مورخ ۱۹۷۷ صنایع مس را عرضه نموده که طی آن به حسابداری صنایع مس دستور داده شده است که مبالغی را به آفا بپردازد. به نظر دیوان این نامه‌ها برای اثبات اظهارات نوآوران کافی نمی‌باشد.

۸۰ - ناظر مالی منصوب دولت در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ مبلغ بدهی صنایع مس به آفا را /۹۳،۶۸۴،۶۷۶ ریال تعیین نمود. مضافاً از این گزارش به نظر می‌رسد که مدیر دولتی آفا در تاریخ هشتم مهرماه ۱۳۵۸ [۳۰ سپتامبر ۱۹۷۹] صورتحسابی به همین مبلغ به صنایع مس فرستاد. به نظر دیوان، این مدرک حداقل قرینه محکمی است بر اینکه حساب مزبور لازم‌التأدیه و قابل وصول بوده است. در رد این قرینه هیچ مدرکی ارائه نشده، درحالی‌که می‌توان فرض کرد که اگر چنین مدرکی در سوابق صنایع مس یا آفا وجود می‌داشت، دسترسی خواننده به آن امکان پذیر می‌بود. از اینرو، دیوان به این نتیجه می‌رسد که باید در ارزش‌گذاری آفا مبلغ /۹۳،۶۸۴،۶۷۶ ریال بابت حسابهای دریافتنی از صنایع مس ملحوظ نمود.

سازمان مسکن (پروژه دامنه)

۸۱ - خواهان ادعا می‌کند که سازمان مسکن در روز سلب مالکیت ۴۹،۰۴۷،۷۵۰/- ریال بدهکار بوده است.

۸۲ - در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ پذیرفته شده است که آفا در ژانویه ۱۹۷۹ صورتحسابی به مبلغ ۴۹،۰۴۷،۷۵۰/- ریال برای کارفرما ارسال نمود، اما کل این مبلغ دریافتنی به حساب ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول منتقل و لذا از داراییهای آفا حذف شده است.

۸۳ - در گزارش نوآوران نیز که توسط خواننده تسلیم گردید، تصدیق شده است که آفا در ژانویه ۱۹۷۹ صورتحسابی به مبلغ ۴۹،۰۴۷،۷۵۰/- ریال برای کارفرما ارسال نموده است. در عین حال در آن گزارش نتیجه‌گیری شده است که در تاریخ سلب مالکیت فقط ۱۳،۰۰۰،۰۰۰/- ریال از این حساب تصفیه نشده باقی مانده بود. نوآوران رقم فوق را به شرح زیر محاسبه کرده است: بنا به ادعای نوآوران، کارفرما تنها مبلغ ۳۷،۴۰۰،۰۰۰/- ریال از صورتحساب ۴۹،۰۴۷،۷۵۰/- ریالی مورخ ژانویه ۱۹۷۹ آفا را تأیید کرد و تا ششم مردادماه [۲۸ ژوئیه] کل مطالبات را به جز ۱۳،۰۰۰،۰۰۰/- ریال آن پرداخت نموده بود. نوآوران در گزارش خود به پرداختهایی به مبلغ (۱۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال) در سال منتهی به مارس ۱۹۷۷، (۸،۰۰۰،۰۰۰/- ریال)، در سال منتهی به مارس ۱۹۷۸ و (۶،۴۰۰،۰۰۰/- ریال) در سال منتهی به مارس ۱۹۷۹ اشاره می‌کند. نوآوران در تأیید پرداختهای مزبور نامه مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۵۹ [سوم ژوئیه ۱۹۸۰] سازمان مسکن به آفا را به دیوان تسلیم نموده که در [متن فارسی] آن اعلام شده است که در اوایل سال ۱۳۵۷ [اواخر مارس ۱۹۷۸] "به علت تغییرات کلی در سیاست مملکت و خودداری دولت از قبول هزینه‌های تأسیسات زیربنایی شهری شهرک مزبور" اجرای طرح

مورد نظر منتفی گردید. در همان نامه آمده است که تا آن تاریخ مبلغ ۳۷,۴۰۰,۰۰۰/- ریال بابت کارهای انجام شده به آفا پرداخت شده است.

۸۴ - به نظر دیوان، مفاد نامه مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۵۹ [سوم ژوئیه ۱۹۸۰] سازمان مسکن به آفا توام با این واقعیت که در گزارش مالی سال ۱۳۵۸، کل این رقم دریافتی به مبلغ ۴۹,۰۴۷,۷۵۰/- ریال به حساب ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول منتقل گردیده، در نظر اول نشان می‌دهند که صد درصد حساب دریافتی مورد بحث قابل وصول نبوده است. هیچ مدرکی در رد این مطلب، در سوابق وجود ندارد. از اینرو دیوان رقم تأیید شده توسط نوآوران، یعنی ۱۳,۰۰۰,۰۰۰/- ریال را در ارزش‌گذاری آفا منظور می‌نماید.

تامز - آفا (فرودگاه بین‌المللی تهران)

۸۵ - خواهان مطلب مندرج در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ را دایر بر اینکه تامز - آفا در تاریخ سلب مالکیت مبلغ ۱۳۰,۶۳۷,۸۰۲/- ریال در ارتباط با این پروژه به آفا بدهکار بود، تأیید می‌کند.

۸۶ - خواننده این حساب دریافتی را از محاسبه حذف و استدلال می‌کند که دیوان قبلاً در ارزش‌گذاری تامز - آفا در پرونده تیبیس بدهیهای تامز - آفا را به تامز و آفا منظور نموده است.

۸۷ - دیوان با این استدلال خواننده موافق است. بطوریکه قبلاً گفته شد، در پرونده تیبیس صفحه ۱۴، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 228، دیوان نظر داد که "مدارک موجود حاکی از آنند که دین تامز - آفا به آفا تقریباً ۴۷ میلیون ریال بیشتر از دینی است که بابت بازپرداخت هزینه‌ها به تامز داشته است و این مبلغ باید قبل از

تعیین ارزش بعد از تصفیه کسر شود". براساس این رأی، دیوان خاطرنشان ساخت که کلیه مطالبات شرکای شرکت تضامنی، منهای ۴۷،۰۰۰،۰۰۰/ ریال مابه‌التفاوت دیون تامز - آفا به آفا و دیون آن شرکت به تامز، در رقم ۸،۰۰۰،۰۰۰/ ریالی که دیوان به عنوان ارزش تامز - آفا تعیین کرده، منظور گردیده است. در نتیجه، ارزش خالص آفا نمی‌تواند علاوه بر ارزش علایق آفا در تامز - آفا، شامل حسابهای دریافتی از آن شرکت نیز باشد.

#### جمع کل ارزش حسابهای دریافتی آفا

۸۸ - علاوه بر سه فقره حساب دریافتی که فوقاً مورد بحث قرار گرفت، حسابهای متعدد دیگری نیز در تاریخ سلب مالکیت وجود داشت که تصفیه نشده بود. خواهان و خوانده در این مسئله توافق دارند که جمع کل حسابهای دریافتی از وزارت کشاورزی، وزارت مسکن و شهرسازی و خانه داریوش به ۳۱۶،۲۶۶،۵۲۵/ ریال بالغ می‌شود. اختلاف طرفین بر سر چند حساب دریافتی دیگر است که خواهان ارزش آنها را ۵۳۵،۷۲۰،۶۳۵/ ریال تعیین می‌کند. پس از بررسی این حسابهای مورد اختلاف در پرتو اصول کلی ارزش‌گذاری مندرج در بندهای ۴۰-۴۲ بالا که در بندهای ۷۷-۸۷ بالا اعمال گردید، دیوان نظر می‌دهد که ارزش کل حسابهای دریافتی مورد اختلاف ۱۴۱،۰۴۰،۱۷۳/ ریال می‌باشد.

۸۹ - بنابراین، دیوان به این نتیجه می‌رسد که ارزش بقیه حسابهای دریافتی آفا در تاریخ سلب مالکیت ۴۵۷،۳۰۶،۶۹۸/ ریال بوده است. با افزودن این رقم به ارزش حسابهای دریافتی که طی بندهای ۸۰ و ۸۴ بالا لازم‌التأدیه تشخیص داده شد، دیوان به رقم ۵۶۳،۹۹۱،۳۷۴/ ریال به عنوان ارزش ناخالص مجموع حسابهای دریافتی آفا در ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] می‌رسد.



۹۰ - مسأله‌ای که باقی می‌ماند این است که آیا باید تخفیفی برای حسابهای دریافتنی مورد اعتراض کارفرمایان قایل شد یا خیر. آقای رایلی، کارشناس خواهان، در جلسه استماع اظهار داشت که در مورد شرکت‌های ساختمانی و تأسیساتی نظیر آفا، بروز اختلاف در حسابهای دریافتنی امری کاملاً عادیست. وی در ادامه سخنان خود گفت که برای ارزش‌گذاری چنین شرکت‌هایی، بسته به سابقه آنها در حل و فصل اختلافات، می‌توان تخفیفی بین ۲ تا ۱۰ درصد نسبت به مبلغ اسمی حسابهای دریافتنی منظور نمود. آقای تریسی، کارشناس خوانده، اظهار داشت که تخفیفی به میزان ۳۵ تا ۴۵ درصد مناسب‌تر می‌باشد. در سوابق پرونده مطلقاً مدرکی حاکی از پیشینه عملکرد آفا در ارتباط با حل و فصل حسابهای مورد اختلاف وجود ندارد. لیکن، با توجه به ادله موجود و از جمله اینکه اکثر بدهکاران را سازمانهای وابسته به دولت ایران تشکیل می‌داده‌اند، دیوان منطقی می‌داند که نسبت به کل ارزش حسابهای دریافتنی آفا تخفیفی به میزان ۵ درصد، بابت دریافتنی‌هایی که مورد اعتراض کارفرمایان وی قرار می‌گرفت و به نتیجه می‌رسید، یا پرداخت آنها به مدت زیادی به تعویق می‌افتاد، منظور نماید. بنابراین رقم کل حسابهای دریافتنی پس از کسر این تخفیف به  $۵۳۵,۷۹۱,۸۰۵/ـ$  ریال بالغ می‌گردد.

۹۱ - دیوان ۵/۵ درصد رقم اخیر را بابت مالیات پیمانکار کسر می‌کند، زیرا طبق رویه معمول و براساس ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم ایران بایستی ۵/۵ درصد از هر فقره پرداخت کسر می‌گردد. دیوان این رقم  $۲۹,۴۶۸,۵۴۹/ـ$  ریال را در حساب پیش‌پرداخت [کسور] مالیاتی آفا منظور می‌نماید. از اینرو ارزش خالص حسابهای دریافتنی آفا در تاریخ سلب مالکیت  $۵۰۶,۳۲۳,۲۵۶/ـ$  ریال بوده است. این رقم باید در تعیین ارزش خالص آفا ملحوظ گردد.

۴ - وامهای شرکا

۹۲ - در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ تأیید شده است که بدهیهای شرکای آفا به آفا پس از انجام تعدیلات لازم ۱۰۶،۰۹۹،۸۴۴/- ریال است و خواهان نیز آن را قبول دارد. خواهان اظهار می‌دارد که این دیون مربوط به وامهایی است که آفا در اختیار شرکای خود گذاشته، و وامهای مزبور با سفته‌هایی تهاتر می‌شود که شرکای آفا به عنوان پشتوانه ضمانتنامه‌های بانکی صادره به نفع آفا به بانکها سپرده بودند.

۹۳ - خواننده این داراییها را حذف می‌کند. در این مورد، نوآوران، مشاور خواننده چنین توضیح می‌دهد: "به دلیل ماهیت شخصیت حقوقی مؤسسه، مانده بدهی جاری [تعدیل نشده] شرکا<sup>۶</sup> که طبق دفاتر در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۶ [۱۹۷۹/۷/۲۸] برابر با ۱۰۸،۹۱۴،۹۴۸/- ریال بود... از گروه داراییهای جاری به حقوق صاحبان سهام نقل گردیده". نوآوران اضافه می‌کند: "علت انتقال مانده بدهی شرکا از بخش داراییهای مؤسسه به بخش حقوق صاحبان سهام، نوع شخصیت حقوقی آفا و مسئولیت تضامنی ایشان می‌باشد".

۹۴ - ارنست اند یانگ، مشاور خواهان، نحوه ارزیابی نوآوران را از بدهیهای شرکا مورد انتقاد قرار داده و توضیح می‌دهد: "نوآوران این مبلغ را از حسابهای دریافتنی (دارایی) به حساب جاری شرکا<sup>۶</sup> (سهم‌الشرکه مالکین) منتقل کرده (که موجب کاهش ارزش خالص شرکت می‌گردد)". ارنست اند یانگ در ادامه اظهارات خود می‌افزاید که درج وامهای شرکا در ستون داراییهای آفا در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ صحیح بوده است زیرا این نحوه حسابداری نشان دهنده "ارتباط بین بدهیهای شرکا و سفته‌هایی است که توسط آنها به عنوان پشتوانه ضمانتنامه‌های بانکی شرکت و به نام شرکت تعهد شده بود". ارنست اند یانگ نتیجه می‌گیرد که: "بنابراین معقول و منطقی است که بدهیهای شرکا جزو حسابهای دریافتنی محسوب شوند نه جزو سهم‌الشرکه مالکین که موجب کاهش ارزش خالص شرکت می‌گردد".

۹۵ - به نظر دیوان بدهیهای شرکای آفا به آفا را صحیحاً نمی‌توان داراییهای معتبر آفا تلقی نمود. همانطور که در بندهای قبلی حکم حاضر ملاحظه شد، در تاریخ سلب مالکیت، اکثر شرکای آفا ایران را ترک کرده بودند. لذا در آن تاریخ آفا منطقیاً نمی‌توانست امیدی به وصول این دیون داشته باشد و لذا باید آنها را به عنوان دیون غیرقابل وصول از حسابها حذف نمود، البته به استثنای بدهی مورد قبول خواهان در قبال آفا، یعنی ۱۲،۹۴۴،۳۷۷ ریال. از آنجا که این بدهی باید از مبالغ متعلقه به خواهان طبق حکم حاضر کسر شود، بنگرید به بند ۱۴۴ زیر، غیرمنصفانه است که آن را جزیی از داراییهای آفا به حساب نیاورد.

۹۶ - برخلاف آنچه که نوآوران استدلال می‌کند، دیون شرکای آفا به آفا را جزو سهم‌الشرکه شرکا نیز نمی‌توان محسوب نمود. مطابق مندرجات گزارش مالی سال ۱۳۵۸ این وامهای شرکا به عنوان بدهی آنها تلقی شده و نه توزیع سهم‌الشرکه و خلاف این مدعا مدرکی ارائه نشده است. رجوع کنید به: بند ۳۷ حکم شماره ۲-۱۹۷-۴۸۶ مورخ هفتم تیرماه ۱۳۶۹ [۲۸ ژوئن ۱۹۹۰] صادره در پرونده سی‌بی‌اس اینکوریپتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین که در 25 Iran-U.S. C.T.R. 131, 143 به چاپ رسیده است.

## ۶ - نتیجه

۹۷ - ارزش داراییهای مورد بحث در بندهای ۹۶-۵۳ بالا ۱،۰۸۴،۱۷۵،۳۴۵ ریال می‌باشد. پس از بررسی مجموعه ادله، نظر دیوان این است که ارزش مابقی داراییهای آفا در تاریخ سلب مالکیت ۱۵۷،۴۹۹،۷۷۷ ریال بوده است. لذا ارزش کل داراییهای آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹]، حاصل جمع این دو رقم، یعنی ۱،۲۴۱،۶۷۵،۱۲۲ ریال می‌باشد و برای تعیین ارزش خالص آفا در آن تاریخ باید رقم اخیر را در محاسبه منظور کرد.

ج - بدهیهای آفا

۹۸ - اختلاف اصلی طرفین در مورد دیون تصفیه نشده آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹]، محاسبه بدهی مالیاتی شرکت است. از اینرو دیوان منحصرًا درباره این دین به تفصیل به بحث می‌پردازد.

بدهی مالیاتی آفا

۹۹ - برابر محاسبات خواهان، رقم بدهی مالیاتی آفا ۱۴۸،۱۶۳،۷۵۴/- ریال است، درحالیکه نوآوران، مشاور خوانده، جمع این بدهی را ۷۶۵،۱۶۵،۴۸۸/- ریال اعلام می‌کند. آقای وقتی، کارشناس مالیاتی خوانده، حتی از این نیز فراتر رفته، اظهار می‌دارد که آفا در تاریخ سلب مالکیت، مبلغ ۹۱۹،۸۳۱،۲۱۸/- ریال بابت مالیات بدهکار بوده است.

۱۰۰ - در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ مبلغ ۱۰۵،۲۲۰،۸۱۹/- ریال بابت ذخیره مالیاتی آفا منظور شده است.

۱۰۱ - در رویه قضایی دیوان این اصل کاملاً محرز و مسجل شده است که برای ارزش‌گذاری در موارد انحلال یا تصفیه، بنگرید به: بندهای ۴۰-۴۲ بالا، دیوان تنها آن دسته از دیون شرکت مورد مصادره را در محاسبات خود منظور می‌کند که "در تاریخ ضبط معوق بوده‌اند"، پرونده سدکو، اینک (بند ۲۶۷ حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹) مذکور در فوق، 15 Iran-U.S. C.T.R. at 101-102، "منجمله دیون مالیاتی..."، پرونده تیپتس، ص ۱۲، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 226. همچنین بنگرید به: بند ۵۸ حکم شماره ۲-۱۲۸/۱۲۹-۴۱۹ در پرونده سدکو اینک و دیگران، چاپ شده در 21 Iran-U.S. C.T.R. at 57. دیوان برای تعیین دیون مالیاتی آفا این کلی را اعمال خواهد نمود.

۱ - مالیات سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵

۱۰۲ - خواننده اظهار می‌دارد که آفا مبلغ /- ۱۵،۱۵۲،۶۵۵ ریال بابت مالیات بر درآمد سالهای ۱۳۵۰ [مارس ۱۹۷۱ تا مارس ۱۹۷۲]، ۱۳۵۴ [مارس ۱۹۷۵ تا مارس ۱۹۷۶] و ۱۳۵۵ [مارس ۱۹۷۶ تا مارس ۱۹۷۷] بدهکار است. مبنای این اظهار خواننده، نامه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] "اداره کل مالیات بر شرکتها" است که طی آن، بدهی مالیاتی که حسب ادعا در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] به عهده آفا بوده، اعلام شده است. خواننده همچنین چند "برگ تشخیص مالیات" آفا را مورد استناد قرار داده که مقامات مالیاتی برای سالهای ذیربط در این پرونده صادر کرده بودند. برخی از این برگهای تشخیص به خیلی قبل، یعنی سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶ و برخی دیگر به سال ۱۹۸۷ مربوط می‌شوند.

۱۰۳ - بنا به گزارش مالی سال ۱۳۵۸، مالیات بر درآمد مربوط به سالهای قبل از ۱۳۵۶ در تاریخ ارزش‌گذاری "تصفیه شده بود".

۱۰۴ - خواهان اظهار می‌دارد که آفا به دو دلیل بابت سنوات قبل از ۱۳۵۶ مالیاتی بدهکار نبود. اولاً وی خاطرنشان می‌سازد که گزارش مالی سال ۱۳۵۸ ادعای خلاف خواننده را نفی می‌کند. ثانیاً خواهان استدلال می‌کند که مالیاتهای تشخیصی برای سالهای مزبور، در هر حال مطابق مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون مالیاتهای مستقیم ایران مشمول مرور زمان شده‌اند.

۱۰۵ - در پاسخ به استدلالات خواهان، خواننده اظهار می‌دارد که گزارش مالی سال ۱۳۵۸ "دارای مبنای صحیحی نبوده است" و اضافه می‌کند که مالیات تشخیصی برای سالهای مورد بحث مشمول مرور زمان قرار نگرفته زیرا به موجب بخشنامه مورخ ۲۰

فروردین ۱۳۶۰ [نهم آوریل ۱۹۸۱] مدیرکل دفتر فنی مالیاتی مرور زمان موضوع مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون مالیاتهای مستقیم ایران را تمدید کرده بوده است.

۱۰۶ - خواننده ادله کافی اقامه ننموده که ثابت نماید ناظر مالی منصوب دولت در آفا در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ به غلط نتیجه گرفته است که در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مالیات بر درآمدی بابت سنوات قبل از ۱۳۵۶ بر عهده آفا نبوده است. نامه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] مدیرکل دفتر فنی مالیاتی را نمی‌توان فی‌نفسه دلیل کافی برای بدهی آفا بابت هرگونه مالیات بر درآمد تلقی کرد. نامه مزبور فاقد هرگونه مستند است و هیچگونه توضیحی نیز راجع به اساس محاسبات آن داده نشده است. بنگرید به: صفحه ۲۰ حکم شماره ۳-۴۰-۵ مورخ ۱۸ خردادماه ۱۳۶۲ [هشتم ژوئن ۱۹۸۳]، در پرونده آران، یامروی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 2 Iran-U.S. C.T.R. 372, 385 و صفحه ۲۳ حکم شماره ۳-۵۴-۹۷ مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳]، در پرونده دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 4 Iran-U.S. C.T.R. 212, 226-27. برگمهای تشخیص مالیات آفا نیز که مورد استناد خواننده قرار گرفته‌اند دارای نقاط ضعف مشابهی می‌باشند. مضافاً در آنها ذکری از این موضوع به میان نیآمده است که آفا احیاناً "مبالغی به مراجع مالیاتی پرداخت کرده است یا خیر. خواننده حسب اذعان، به کلیه سوابق مالیاتی آفا دسترسی دارد و بنابراین می‌توانسته مدارک لازم را برای روشن کردن قطعی وضع دیون مالیاتی آفا در سنوات مورد بحث تهیه کند.

۱۰۷ - براساس مراتب فوق، دیوان ادعای خواننده را دایر بر اینکه آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] هنوز هم بابت مالیات بر درآمد سنوات قبل از ۱۳۵۶ بدهی داشته، فاقد دلیل دانسته، آن را رد می‌کند. از اینرو، دیوان نیازی به بررسی این موضوع نمی‌بیند که آیا مالیاتهای تشخیصی برای سنوات مزبور

مشمول مرور زمان مقرر در مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون مالیاتهای مستقیم ایران واقع می‌شوند یا خیر.

## ۲ - مالیات بر پرداختهای مخفی ادعایی

### ۱ - پروژه مس سرچشمه

۱۰۸ - خواننده ادعا می‌کند که آفا مبلغ ۱۲۵،۰۴۵،۶۶۸/ ریال از پروژه مس سرچشمه وصول کرده که به جای آنکه در حساب درآمد شرکت منظور شود مستقیماً به بستانکار حساب شرکا منظور شده است. خواننده مدعی است که این مبلغ معرف درآمدهای مخفی ای است که مشمول محاسبه مالیات نگردیده و در تأیید این ادعا، به سه "برگ نقل و انتقال داخلی اداره حسابداری" آفا استناد می‌کند که دو برگ آن به تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] و دیگری به تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۷ [هفتم ژوئیه ۱۹۷۸] می‌باشد. این مدارک ظاهراً حاکی از انتقال کلاً ۱۲۵،۰۴۵،۶۶۸/ ریال از حساب پروژه مس سرچشمه به حساب شخصی چند تن از شرکای آفا می‌باشند.

۱۰۹ - خواهان معتقد است که این انتقالات به دلایل زیر پرداختهای مخفی محسوب نمی‌شوند. اولاً خواهان اظهار می‌دارد که مدارک مورد استناد خواننده دلالت بر هیچ پرداختی ندارند و ارقام مندرج در آنها صرفاً مبین نقل و انتقالات حسابداری در دفاتر شرکت است. ثانیاً خواهان مخالف اینست که این انتقالات مخفیانه صورت گرفته، به این دلیل که در دفاتر آفا به ثبت رسیده و قابل دسترسی برای مراجع مالیاتی بوده است. ثالثاً خواهان ادعا می‌کند که بابت سنواتی که طی آنها سه فقره انتقال مورد استناد خواننده صورت گرفته، قبلاً از آفا مالیات مطالبه شده بوده است. از اینرو خواهان نتیجه می‌گیرد که هرگونه درآمد احتمالی حاصل از آن نقل

و انتقالات قبلا" در برگهای تشخیص مالیات آفا برای سالهای مورد بحث منظور شده است.

۱۱۰- و بالاخره، خواهان می‌گوید که قطع نظر از چگونگی ثبت درآمد وصولی از پروژه مس سرچشمه در دفاتر آفا، امکان نداشته که درآمد مذکور از مأمورین مالیاتی مخفی نگهداشته شود. در این زمینه، آقای گرجیان، کارشناس مالیاتی خواهان شهادت داد که به موجب ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم، کارفرمایان آفا مکلف بودند قرارداد خود را با آفا به حوزه‌های مالیاتی تسلیم و در هر پرداخت، پنج و نیم درصد مبلغ پرداختی را کسر و به حوزه دارایی محل بپردازند. لذا خواهان نتیجه‌گیری می‌کند که امکان نداشته است که مقامات مالیاتی از وجود پرداختهایی از طرف پروژه مس سرچشمه بی‌اطلاع مانده باشند.

۱۱۱- خواننده استدلالی را که خواهان با استناد به ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم ایران طرح کرده، رد می‌کند. خواننده انکار نمی‌کند که ماده مزبور اساساً ناظر بر قراردادهای ساختمانی و تأسیساتی است، ولی اشعار می‌دارد که صرف وجود چنین قانونی دلیل بر اجرای آن در موضوع مورد بحث نیست.

۱۱۲- در اینجا مسئله اینست که آیا آفا در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ درآمدی از محل پروژه مس سرچشمه دریافت کرده است یا خیر که از مقامات مالیاتی مخفی شده و در نتیجه مالیاتی برای آن محاسبه نشده باشد.

۱۱۳- در بخش ذیربط ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم ایران آمده است:

در مورد پیمانکاری... نسبت به هر نوع کار ساختمانی... و یا تهیه طرح ساختمانی و تأسیسات... کارفرما... به طور کلی... مکلف است ظرف ۳۰ روز از تاریخ انعقاد قرارداد،



رونوشت آن را به دفتر ممیزی حوزه مالیاتی محل با اخذ رسید تسلیم و در هر پرداخت پنج و نیم درصد مبلغ پرداختی را کسر کند و منتهی ظرف ۳۰ روز به اداره دارایی محل بپردازد و هرگاه رونوشت قرارداد به دفتر ممیزی حوزه مالیاتی تسلیم نگردد ممیز مالیاتی مربوط... ارزش موضوع مورد قرارداد را تشخیص و مالیات موضوع این ماده را از کارفرما مطالبه خواهد نمود و در صورتی که کارفرما از معرفی پیمانکار خودداری یا نتواند با ارائه مدارک، اسناد عمل را به او ثابت کند مالیات متعلق به درآمد مشمول مالیات پیمانکار مزبور... از کارفرما مطالبه و وصول خواهد شد.

۱۱۴ - بنابراین، ماده ۷۶ متضمن سیستم کاملی برای گزارشدهی و کسر و انتقال بخشی از حق الزحمه پرداختی بابت قراردادهای ساختمانی و تهیه طرح ساختمانی و تأسیسات به مقامات مالیاتی می‌باشد. به موجب این ماده، کارفرمایان آفا مکلف بودند که اطلاعات ذیربط را در اختیار مقامات مالیاتی بگذارند و در غیراینصورت مشمول مجازاتهای مشخصی می‌شدند. با توجه به این وضعیت حقوقی، نظر دیوان اینست که هرگونه حق الزحمه پرداختی از طرف پروژه مس سرچشمه به آفا احتمالاً" توجه مقامات مالیاتی را به خود جلب می‌کرد و قطع نظر از چگونگی ثبت آن پرداختها در دفاتر آفا، نهایتاً" در مالیات تشخیصی بابت سنوات مربوط منظور می‌شد. در سوابق نشانه‌ای حاکی از گمراه کردن مقامات مالیاتی توسط کارفرمای آفا وجود ندارد. دیوان به ویژه مایل به اتخاذ چنین فرضی نیست، چرا که کارفرمای آفا، یعنی سازمان ملی صنایع مس، مؤسسه‌ای است دولتی که موظف بوده در مورد ایفای کلیه تعهدات قانونی و علی‌الخصوص رعایت کلیه الزامات ماده ۷۶ مسئولانه‌تر از دیگران رفتار نماید. به طور خلاصه، دیوان هیچگونه دلیلی در اثبات اینکه [بعضی] مبالغ پرداختی به آفا از نظر مقامات مالیاتی دور مانده باشد و نیز هیچ مدرکی حاکی از تخطی کارفرمای آفا از رعایت ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم ایران، دریافت نکرده است.

۱۱۵ - مضافاً، به گواهی برگهای تشخیص مالیات موجود در سوابق، برای سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، یعنی همان سنواتی که طی آنها سه برگ نقل و انتقال استنادی خوانده صادر شده‌اند، قبلاً از آفا مالیات مطالبه شده بود. خوانده مدرکی دایر بر اینکه درآمد حاصل از این نقل و انتقالات در برگهای تشخیص مالیات مورد بحث منظور نشده، ارائه نکرده است. همانطور که فوقاً گفته شد، خوانده حسب اذعان، به کلیه سوابق مالیاتی آفا دسترسی دارد و لذا می‌توانسته مدارک مربوط به تشخیص مالیات آفا را برای آن سنوات عرضه نماید.

۱۱۶ - و بالاخره، سه فقره نقل و انتقال مورد استناد خوانده در "برگهای نقل و انتقال" صادره توسط "حسابداری" آفا ثبت شده بودند. به نظر دیوان، این واقعیت ادعای خوانده را در مورد مخفی بودن پرداختها تأیید نمی‌کند، زیرا بعید است کسی به قصد طفره رفتن از پرداخت مالیات، درآمد مخفی را در مدارک حسابداری ثبت نماید که مقامات مالیاتی بتوانند به آن دسترسی داشته باشند.

۱۱۷ - در نتیجه، دیوان ادعای خوانده را دایر بر اینکه آفا در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ درآمدی از پروژه مس سرچشمه تحصیل و از مقامات مالیاتی مخفی کرده بود، فاقد دلیل دانسته، آن را رد می‌کند. از اینرو نمی‌توان چنین مبلغی را در محاسبه بدهی مالیاتی آفا منظور نمود.

## دو - تامز - آفا

۱۱۸ - خوانده اظهار می‌دارد که کلاً مبلغ ۱۴۱،۴۰۰،۰۰۰/ ریال به صورت وجوه دریافتی گزارش نشده از تامز - آفا "به جای آنکه در دفاتر آفا ثبت شود به حساب شخصی شرکا منظور شده است". خوانده معتقد است که این مبلغ معرف درآمد کتمان شده‌ای است که برای آن مالیات محاسبه نشده است.

۱۱۹ - در تأیید اظهار فوق، خوانده عمدتاً به یک "سند حسابداری" تامز - آفا استناد می‌کند که در تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۰ مارس ۱۹۷۹]، یعنی آخرین روز سال ۱۳۵۷ صادر شده است. بنا به مندرجات این سند، کلاً مبلغ ۱۴۱،۴۰۰،۰۰۰/- ریال در دفاتر در ستون بدهکار سه فقره از حسابهای تامز - آفا (به عنوان حقوق کارکنان فنی، حقوق مدیران و هزینه‌های متفرقه کارمندان) و عین همان مبلغ در ستون بستانکار "حساب جاری" آفا درج شده است. متن دستنوشته ذیل سند مزبور به شرح زیر است:

بابت منظـور نمـودن ۲۰۰۰،۰۰۰/- دلار  
(lumpsum) مخارج توافق شده طرح نهایی  
(Detailed Design) آفا به هزینه‌های مربوطه (نرخ  
۷۰/۷۰)، چون از حساب بانک آتن پرداخت می‌شده است.

آقای فخاریان، کارشناس خوانده در جلسه استماع شهادت داد که "سند حسابداری" دلالت بر پرداخت وجه نقد ندارد، بلکه "معرف مبلغی است که از طرف تامز - آفا، که شرکت دیگری است، به بستانکار حساب آفا منظور شده". در سوابق، مدرکی دال بر اینکه مبلغ ۱۴۱،۴۰۰،۰۰۰/- ریال مندرج در "سند حسابداری" مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۰ مارس ۱۹۷۹] عملاً به آفا پرداخت شده باشد، وجود ندارد.

۱۲۰ - خوانده همچنین تعدادی اسناد بانکی و مدارک حسابداری تامز - آفا ارائه نموده است، حاکی از آنکه مبلغی تقریباً معادل ۶۴ میلیون ریال توسط تامز - آفا به حسابهای جاری آفا در بانک آن شرکت در آتن در تاریخهای مختلفی بین آوریل ۱۹۷۸ و ۲۰ مارس ۱۹۷۹ حواله شده است.

۱۲۱ - خواهان اظهار می‌دارد که هیچیک از مدارک مورد استناد خوانده نشان دهنده پرداختهای مخفی به شرکای آفا نیست. در خصوص سند حسابداری مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۰ مارس ۱۹۷۹] خواهان معتقد است که سند مزبور نه تنها هیچ

پرداختی را به شرکا ثابت نمی‌کند، بلکه اساساً نشان دهنده هیچگونه پرداختی نیست. خواهان در عوض ادعا می‌کند که سند مزبور صرفاً "گویای ثبت رقمی است در دفاتر بابت بدهی تامز - آفا به آفا، راجع به هزینه‌هایی که دفتر آفا در آتن در رابطه با پروژه فرودگاه بین‌المللی تهران متحمل شده است.

۱۲۲ - در خصوص حواله‌های نقدی کلا" به مبلغ ۶۴ میلیون ریال، خواهان خاطر نشان می‌سازد که مدارک خوانده نشان می‌دهد که این وجوه به حساب بانکی شرکت آفا حواله شده است و نه به حساب بانکی شرکای آفا. مضافاً خواهان ادعا می‌کند که حواله این وجوه نقد معرف پرداختهای تامز - آفا به آفا برای بازپرداخت هزینه‌هایی است که آفا در رابطه با پروژه فرودگاه بین‌المللی تهران متحمل شده بوده و از اینرو، نتیجه می‌گیرد که این پرداختها حتی مشمول محاسبه مالیات نیز نمی‌باشد.

۱۲۳ - به نظر دیوان، ادله اقامه شده ثابت نمی‌کند که شرکای آفا مبالغی را پنهانی و بدون گزارش به مراجع مالیاتی از تامز - آفا دریافت کرده باشند. هیچیک از نقل و انتقالات مندرج در مدارک خوانده معرف منظور شدن مبلغی به بستانکار حساب شرکا یا حواله وجه نقد به آنها نبوده، بلکه منحصرماً نشان دهنده حواله یا واریز به حسابهای جاری آفا می‌باشد.

۱۲۴ - به همین ترتیب، دلیلی در دست نیست که خود آفا در آمدی را به صورت مخفیانه از تامز - آفا دریافت کرده باشد که مشمول محاسبه مالیات واقع نشده باشد. ادله موجود در سوابق نشان می‌دهد که بابت سال ۱۳۵۷، یعنی سالی که طی آن کلیه نقل و انتقالات مورد استناد خوانده صورت پذیرفته، قبلاً از آفا مالیات مطالبه شده بود. خوانده هیچ مدرکی ارائه نکرده است که دلالت بر این داشته باشد که هیچیک از نقل و انتقالات مورد بحث، در حدی که معرف در آمد مشمول مالیات بودند، قبلاً

در برگ تشخیص نهایی مالیات سال ۱۳۵۷ آفا منظور نشده باشند. خوانده حسب اذعان کلیه سوابق مالیاتی آفا را در اختیار داشته و لذا به مستندات برگهای تشخیص مالیات دسترسی دارد و بنابراین می‌توانسته چنین مدارکی را عرضه نماید.

۱۲۵ - با توجه به مراتب پیشگفته، دیوان ادعای خوانده را دایر بر اینکه شرکای آفا در سال ۱۳۵۷ به طور مخفی در آمدی از تامز - آفا تحصیل نموده و آن را به مقامات مالیاتی اعلام نکرده‌اند، فاقد دلیل دانسته، آن را رد می‌کند.

(۳) تعیین مالیات ارزش غیرنقدی دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاریهای آفا در سایر

شرکتها

۱۲۶ - در تعیین میزان بدهی مالیاتی آفا، خوانده ارزش غیرنقدی دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاریهای آفا در سایر شرکت‌ها را جزو درآمدهای مشمول مالیات قلمداد می‌کند. خواهان انکار می‌کند که مالیات چنین سود سرمایه‌ای باید در ارزش آفا منظور شود.

۱۲۷ - مطمئناً دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاریهای آفا را نمی‌توان بر این اساس که در تاریخ مصادره به فروش رفته‌اند و یا آنکه در آینده قابل پیش‌بینی انتظار فروش آنها می‌رفته مشمول مالیات دانست. در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] آفا داوطلبانه سودحاصله از دارائی‌های ثابت و سرمایه‌گذاریهای خود را تبدیل به وجه نقد نکرد و ضمناً در حال تصفیه نیز نبود. برعکس آفا بیش از دو سال بعد از مصادره تا صدور دستور دولت در اکتبر ۱۹۸۱ مبنی بر تصفیه آن، تحت مدیریت دولت بود.

۱۲۸ - دیوان این استدلال را نیز نمی‌پذیرد که مصادره دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاریهایی آفا موجب بروز مسئولیت مالیاتی بابت آنها شده باشد. دیوان هیچگاه ارزش داراییها یا مبلغ غرامت قابل پرداخت به خواهانی را بابت مصادره چنین داراییهایی بدین سبب که موجب تحصیل در آمد مشمول مالیات برای خواهان شده، کاهش نداده است. به عنوان مثال، بنگرید به: تیپتس، مذکور در بالا، سولا تایلز، اینک مذکور در بالا و فلیس داج کورپوریشن، مذکور در بالا.

۱۲۹ - این رویه دیرپای دیوان دو دلیل دارد: اول آنکه عهدنامه مودت مقرر می‌دارد که غرامت دریافتی خواهان باید "معادل کامل مال گرفته شده" باشد. بنگرید به: بند ۳۷ بالا. در موارد ارزشگذاری بعد از انحلال یا تصفیه، دیوان برای تعیین "معادل کامل" فقط بدهیهایی منجمله بدهی‌های مالیاتی را که در تاریخ مصادره معوق بوده‌اند از ارزش ناخالص کسر کرده است. بنگرید به: بند ۴۰ بالا. دوم آنکه رویه‌های معمول چنین حکم می‌کنند که دیوان "تباید خود مصادره را به عنوان عامل موثر در ارزش در نظر بگیرد." سدکو اینک (حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹) مذکور در بالا، بند ۳۱، Iran-U.S. C.T.R. at 35. همچنین بنگرید به: آی.ان.آ. کورپوریشن مذکور در بالا، Iran-U.S. C.T.R. at 380. این رویه پیوسته، مانع طرح این استدلال می‌شود که خود عمل مصادره به نحوی ایجاد مسئولیت مالیاتی می‌کند. بنگرید به: بند ۴۲ بالا. به منظور تعیین ارزش ناخالص یک شرکت مصادره شده، دیوان غالباً "فرض گرفته است که شرکت به قیمت تخمینی بازار به دولت فروخته می‌شود. چنین قیاسی، درعین حال که نمایشگر تئوری ارزش گذاری است، نباید آنقدر گسترش داده شود که مسئولیت مالیاتی ناشی از عمل مصادره ایجاد کند. در یک بیع، مالک داوطلبانه مال خود را به دیگری منتقل می‌کند، لیکن مصادره بر حسب تعریف، هرگونه آزادی شرکت در چنین انتقالی را از مالک سلب می‌کند. به این دلیل است که دیوان همواره نظر داده است که خود عمل مصادره نباید موثر در ارزش مال مصادره شده تلقی گردد.

۱۳۰ - بنابراین روشن است که مالیات مربوط به دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌های آفا تنها در صورتی در تاریخ مصادره معوق محسوب می‌شود که تا آن تاریخ مستقلاً به حکم قوانین ایران ایجاد شده بود. در این باره ادله قانع‌کننده‌ای به دیوان تسلیم نشده است. بنابراین نظریه مزبور تا حدودی که خواننده آن را پیشنهاد می‌کند، به علت فقد دلیل محکوم به رد است.

۱۳۱ - البته مالیاتی‌هایی که با مقداری قطعیت قابل پیش‌بینی هستند می‌توانند در سوددهی آینده هر شرکت موثر باشند و بدین صورت، می‌توانند در ارزشگذاری شرکت دایر موثر در مقام باشند. به عنوان مثال، بنگرید به:  
استارت هاووزینگ کورپوریشن، مذکور در بالا،  
بندهای ۳۵۲-۳۵۱، ۳۴۵، C.T.R. at 223-24 and 226. Iran-U.S. 16. لیکن در پرونده حاضر خواهان تنها ارزش خالص تعدیل شده علایق مالکانه خود را مطالبه کرده و دیوان پذیرفته است که چنین روش ارزشگذاری روش مناسبی است. بنگرید به: بندهای ۴۰-۴۱ بالا.

۱۳۲ - به دلایل مندرج در فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که در تاریخ ششم مرداد ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] آفا هیچگونه بدهی مالیاتی بابت ارزش غیرنقدی دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌های خود در شرکتهای دیگر نداشته است. در نتیجه استدلال خواننده که مغایر با این نتیجه‌گیری می‌باشد مردود است.

(۴) درآمد مشمول مالیات

۱۳۳ - خواهان در این موضوع با خواننده هم عقیده است که ارزش پیش‌پرداختهای متعلقه آفا و ارزش ناخالص حساب‌های دریافتنی آن از مشتریانش از لحاظ ارزشگذاری مشمول مالیات بردرآمد است، لیکن طرفین درباره میزان درآمد مشمول مالیات اختلاف نظر دارند.

۱۳۴ - خواهان استدلال می‌کند که طبق مواد ۷۶ و ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم ایران، مالیات بر درآمد آفا باید براساس "سود فرضی" تعیین شود. این بدان معنی است که فقط هشت درصد دریافتی‌های ناخالص (۱۲) شرکت از قراردادهای طراحی و مهندسی مشمول مالیات است.

۱۳۵ - در مقابل، خوانده استدلال می‌کند که مالیات بر درآمد آفا باید براساس "سود واقعی" محاسبه شود. طبق این روش، کل در آمد خالص شرکت مشمول مالیات می‌گردد. براساس محاسبه خوانده، بیش از هفتاد و پنج درصد دریافتی‌های ادعایی شرکت، در آمد خالص و مشمول مالیات است.

۱۳۶ - در جلسه استماع، آقای وقتی کارشناس مالیاتی خوانده شهادت داد که مالیات آفا در سالهای ۱۳۵۰ [۲۱ مارس ۱۹۷۱-۲۰ مارس ۱۹۷۲] و ۱۳۵۱ [۲۱ مارس ۱۹۷۲-۲۰ مارس ۱۹۷۳] بر اساس سود واقعی و از سال ۱۳۵۲ [۲۱ مارس ۱۹۷۳] تا پایان سال ۱۳۵۷ [۲۰ مارس ۱۹۷۹] بر اساس ۸ درصد سود فرضی بوده است. وی اظهار کرد که آفا در سال ۱۳۵۸ بر اساس سود واقعی مالیات پرداخته است.

۱۳۷ - بخش ذیربط ماده ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم ایران به شرح زیر است:

در آمد مشمول مالیات نسبت به عملیات موضوع ماده ۷۶ [هر نوع کار ساختمانی و تاسیسات فنی و تاسیساتی یا پیمانکاری حمل و نقل و یا تهیه طرح ساختمان‌ها و تاسیسات و نقشه‌کشی و نقشه‌برداری و نظارت و محاسبات فنی از هر قبیل] در موارد مذکور در ماده ۶۱ بطور کلی و نسبت به پیمانکاری هر نوع کار ساختمانی به استثنای عملیات حفاری چاههای عمیق و تاسیسات فنی و صنعتی مادام که حسابرسی مذکور در ماده ۷۸ آماده و از طرف وزارت دارایی اعلان نشده است در تمام موارد عبارت است از هشت درصد دریافتی سالانه.

۱۲ - از نظر سهولت امر، در حکم حاضر، منظور از "دریافتی‌های ناخالص" پیش‌پرداخت‌های متعلقه، حساب‌های دریافتنی ناخالص و در آمد ناخالص به طور اعم است.



۱۳۸ - بدین ترتیب، ماده ۷۹ مقرر می‌نماید که تحت شرایط خاصی، درآمد حاصله از قراردادهای آرشیفتگی و مهندسی ممکن است براساس ۸ درصد درآمد فرضی محاسبه شود. در جلسه استماع، کارشناس مالیاتی خواهان شهادت داد که قاعده درآمد فرضی مندرج در ماده مزبور، قاعده کلی تعیین مالیات بر چنین درآمدهایی است. اما کارشناس مالیاتی خوانده بر خلاف آن شهادت داد و گفت که تعیین مالیات بر اساس سود واقعی قاعده کلی است و ماده ۷۹ تنها یک مورد استثناء بر این قاعده را معین می‌نماید.

۱۳۹ - در چنین اوضاع و احوالی، دیوان نیاز ندارد مشخص کند که کدام مبنای مالیاتی قاعده کلی است. خوانده هیچ مدرک مستند مقارنی در اثبات این اظهار خود تسلیم نکرده که مالیات آفا در سال ۱۳۵۸ [۲۱ مارس ۱۹۷۹-۲۰ مارس ۱۹۸۰] براساس سود واقعی بوده، حال آنکه برگ تشخیص مالیات آفا برای آن سال به انضمام کلیه مدارک موید آن در اختیار خوانده قرار داشته و وی می‌توانسته آنها را ارائه نماید. با توجه به قصور خوانده در اثبات اظهارات خود و با استناد به توافق طرفین در اینکه مالیات آفا از سال ۱۳۵۲ الی سال ۱۳۵۷ براساس ۸ درصد سود فرضی تعیین شده، دیوان نظر می‌دهد که تعیین مالیات آفا بر اساس سود واقعی در تاریخ صادره موجه نیست. در هر حال خوانده ادله کافی تسلیم نکرده تا براساس آن دیوان بتواند مالیات آفا را بر اساس سود واقعی محاسبه نماید.

۱۴۰ - بنابه مراتب فوق، دیوان نظر می‌دهد که مالیات بردرآمد آفا در تاریخ صادره طبق ماده ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم ایران باید بر اساس ۸ درصد دریافتی‌های ناخالص آن محاسبه شود.

(۵) نتیجه گیری

۱۴۱ - پس از بررسی کلیه ادله موجود، تشخیص دیوان اینست که بدهی معوقه مالیاتی آفا در تاریخ صادره بالغ بر ۹۶،۵۱۳،۷۸۶/ ریال می‌گردد.

مجموع بدهیهای آفا

۱۴۲ - در تاریخ صادره بدهیهای معوقه دیگری نیز باقی بوده است. براساس ادله تسلیمی و با کاربرد اصول کلی ارزشگذاری مشروح در بندهای ۴۰-۴۲ بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که بدهیهای فوق مبلغ ۱۸۴،۳۷۸،۶۱۶/ ریال بوده است. با افزودن این رقم به مبلغ بدهی مالیاتی آفا، بنگنید به بند ۱۴۱ بالا، رقم کل بدهیهای آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] به مبلغ ۲۸۰،۸۹۲،۴۰۲/ ریال بالغ می‌گردد.

د - ارزش علائق مالکانه خواهان

۱۴۳ - ارزش در حال انحلال آفا، در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مابه‌التفاوت ارزش دارایی‌ها و بدهیهای آن، یعنی ۹۶۰،۷۸۲،۷۲۰/ ریال است. بدین ترتیب، ارزش ناخالص ۸/۶ درصد سهم مالکانه خواهان، مبلغ ۸۲،۶۲۷،۳۱۴/ ریال می‌باشد. بنگنید به: بندهای ۳۹-۴۰ بالا.

۱۴۴ - خواهان در لوایح خود قبول کرده است که بدهیهای وی به آفا، مشتمل بر وامهایی که شرکت به وی داده بود، "باید در ارزشگذاری سهم‌الشرکه وی منظور شود". در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ نتیجه‌گیری شده است که وامهای مذکور به ۱۲،۹۴۴،۳۷۷/ ریال بالغ می‌گردد. در سوابق پرونده مدرکی خلاف این

نتیجه‌گیری وجود ندارد. در نتیجه، دیوان این مبلغ را از سهم ناخالص خواهان کسر می‌کند و حاصل تفریق که مبلغ ۶۹،۶۸۲،۹۳۷/ ریال می‌شود، ارزش خالص سهم مالکانه خواهان را در آفا تشکیل می‌دهد.

۱۴۵ - خوانده استدلال می‌کند که از نظر ارزشیابی، ارزش ۸/۶ درصد سهم مالکانه خواهان باید حداقل ۲۵ درصد کاهش داده شود، زیرا سهم‌الشرکه خواهان در آفا در اقلیت بوده و حسب ادعا هیچگونه خریداری برای آن وجود نداشته و ضمناً در اساسنامه آفا محدودیتهایی برای انتقال سهام مقرر شده بوده است. طبق اظهار خوانده، تعدیل کاهشی از این جهت نیز صحیح است که در جریان تصفیه آفا، انتظار نمی‌رفت که دارایی‌های شرکت بطور کامل تبدیل به نقد شود. علاوه بر این، در آمد حاصل از فروش دارایی‌ها ممکن بود تکافوی بدهی‌های آفا را ننماید. خواهان انکار می‌کند که ارزش سهم‌الشرکه وی مشمول هیچگونه تعدیل کاهشی است.

۱۴۶ - به نظر دیوان، استدلالاتی که خوانده در توجیه تعدیل کاهشی سهم خواهان اقامه کرده شاید در مورد ارزشگذاری در حالت فروش واقعی سهام در بازار آزاد مصداق داشته‌باشد، اما در مورد ارزشگذاری به مناسبت مصادره مصداق ندارد، بویژه در موردی مانند پرونده حاضر که واحد مصادره کننده نه تنها اقلیت سهام بلکه تمامی شرکت را مصادره نموده است. نکته حائز اهمیت اینکه در تاریخ مصادره، خواهان ابداً قصد نداشت سهام خود را در آفا در بازار آزاد بفروشد و آفا در حال تصفیه نبود. تحت چنین اوضاع و احوالی مناسبت ندارد که ارزش علایق مالکانه خواهان در آفا کاهش داده شود.

۱۴۷ - علاوه بر آن، رویه دیوان موضع خوانده را تایید نمی‌کند. همانطور که دیوان هیچگاه بابت سهم‌الشرکه کنترل کننده مبلغ اضافی حکم نداده، هیچگاه ارزش سهم‌الشرکه اقلیت را نیز کاهش نداده است.

۱۴۸ - بنابه ملاحظات فوق، دیوان استدلال خوانده را در مورد کاهش ارزش سهم شرکت رد می‌کند.

۱۴۹ - بنابه مراتب پیشگفته، دیوان براین نظر است که خواهان استحقاق دارد بابت سلب مالکیت از ۸/۶ درصد سهم شرکت خود در آفا توسط خوانده، مبلغ ۶۹،۶۸۲،۹۳۷/- ریال غرامت دریافت نماید. این مبلغ پس از تبدیل به نرخ یک دلار = ۷۰/۴۷۵ ریال، معادل ۹۸۸،۷۶۱/- دلار آمریکا می‌گردد. نرخ مزبور نرخ رایج در سراسر سال ۱۹۷۹ بود. بنگرید به: حکم صادره در پترولین، اینک و دیگران، مذکور در بالا بند ۱۴۷، 115 Iran-U.S. C.T.R. at 27. بنابراین دیوان مبلغ ۹۸۸،۷۶۱/- دلار آمریکا به نفع خواهان حکم صادر می‌کند.

#### ششم - بهره

۱۵۰ - به منظور جبران خساراتی که خواهان به علت تاخیر در پرداخت مطالبات خود متحمل شده، دیوان عادلانه می‌داند که از تاریخ مصادره، یعنی ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ۹/۷۵ درصد بهره به نفع وی حکم بدهد.

#### هفتم - هزینه‌ها

۱۵۱ - هر یک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

هشتم - حکم

۱۵۲ - بنابه دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد:

(الف) خواننده، جمهوری اسلامی ایران، مکلف است مبلغ نهصد و هشتاد و هشت هزار و هفتصد و شصت و یک دلار (-/۹۸۸،۷۶۱ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ در سال (براساس ۳۶۵ روز) از تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] الی تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به خواهان، هارولد برنهام پرداخت نماید.

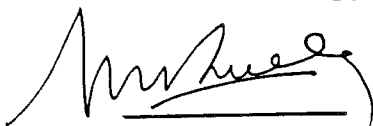
(ب) تعهد فوق با پرداخت از حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهد شد.

(ج) هریک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

(د) بدینوسیله حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می‌گردد.

لاہہ

به تاريخ ۱۵ تيرماه ۱۳۷۲ شم زوئيه ۱۹۹۳



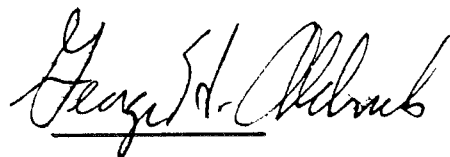
خوزه ماریا رودا

رئیس شعبه دو

به نام خدا



کورش حسین عاملی  
نظر مخالف



جورج ا.ج. آلدریج